

تحلیل وضعیت اقتصادی کشور

۷. ارزیابی وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی

مرکز پژوهش‌ها با هدف ارائه یک تحلیل جامع از وضعیت اقتصادی کشور اقدام به تهیه مجموعه گزارش‌هایی در زمینه‌های «وضعیت متغیرهای اقتصاد کلان»، «سیاست‌گذاری اقتصادی»، «محیط کسب و کار» و «رصد و ارزیابی آثار تحریم‌های اقتصادی» کرده است. درباره هر یک از حوزه‌های فوق چند گزارش سفارش داده شده است که به صورت جداگانه به عنوان نظر خبرگان منتشر خواهد شد. تحلیل مرکز پژوهش‌ها از وضعیت اقتصادی کشور و توصیه‌های سیاستی، پس از جمع‌بندی گزارش‌ها و کسب نظر جمعی از کارشناسان تهیه و منتشر خواهد شد. گزارش حاضر درباره وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و اثرپذیری احتمالی آنها از تحریم توسط آقای دکتر عباس شاکری استاد محترم دانشگاه علامه طباطبائی تهیه شده است.

کد موضوعی: ۲۲۰

شماره مسلسل: ۱۳۴۷۹

دفتر: مطالعات اقتصادی

بهمن‌ماه ۱۳۹۲

به نام خدا

فهرست مطالب

| | |
|----|----------------------------------------|
| ۱ | چکیده |
| ۲ | مقدمه |
| ۳ | ۱. نقدینگی |
| ۹ | ۲. وضعیت تولید |
| ۱۷ | ۳. وضعیت تورم |
| ۲۰ | ۴. وضعیت ارز در اقتصاد کشور |
| ۲۴ | ۵. تأثیر کلی تحریم‌ها بر متغیرهای کلان |
| ۲۶ | جمع‌بندی و نتیجه‌گیری |
| ۲۹ | منابع و مأخذ |



تحلیل وضعیت اقتصادی کشور ۷. ارزیابی وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی

چکیده

طی سال‌های اخیر کشور دستخوش تغییر نوع، گستره و مقیاس تحریم‌های اقتصادی شده و طیف وسیعی از تحریم‌های اقتصادی در این سال‌ها علیه ایران اعمال شده است. در این میان بررسی وضعیت فعلی و نحوه تعامل متغیرهای کلیدی کلان اقتصادی علاوه بر اینکه برای بررسی نتایج و بازخوردهای تحریم‌های اقتصادی در ایران حائز اهمیت است، می‌تواند حاوی پیام‌هایی در رابطه با این مسئله نیز باشد که تا چه حدی مشکلات فعلی اقتصاد ایران به تحریم‌های اقتصاد ایران ارتباط دارد.

در حال حاضر این تلقی در میان افکار عمومی و بعضاً سیاستگذاران به وجود آمده است که ریشه عمده مشکلات فعلی اقتصاد ایران تحریم‌های اقتصادی بوده و با رفع این تحریم‌ها، بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور رفع خواهد شد. اگرچه قابل انکار نیست که وضع تحریم‌های اقتصادی مشکلات حاد خاص خود را ایجاد کرده است، واقعیت آن است که ریشه مشکلات موجود بسیار عمیق‌تر از موضوع تحریم و تبعات آن می‌باشد. این گزارش تا حدی این مسئله را نشان داده است. متغیرهایی که در این گزارش به آنها پرداخته شده است عبارتند از: نقدینگی، تورم، تولید، کسری بودجه و نرخ ارز که در ادامه برخی از نتایج آن ارائه می‌شود.

در بررسی متغیرهای کلان اقتصادی، علاوه بر آنکه می‌بایستی کمیت متغیر به‌دقت مورد بررسی قرار گیرد، توجه به کیفیت آن نیز می‌تواند رهنمودهای سیاستی مفیدی را در پی داشته باشد. رشد متوسط ۳۰ درصدی نقدینگی طی ۲۴ سال گذشته و افزایش آن از ۱۶۵۰ میلیارد تومان در ابتدای برنامه اول به ۴۷۰ هزار میلیارد تومان در اواسط برنامه پنجم، گویای جنبه‌ای از بی‌ثباتی در اقتصاد است، ضمن آنکه افزایش ذخایر ارزی بانک مرکزی (به‌دلیل ورود قابل توجه ارزهای نفتی) و افزایش مانده بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی از یک‌سو و افزایش پوشش معاملات غیرمرتبط با GDP از سوی دیگر، منعکس‌کننده آن است که کیفیت نقدینگی نیز تنزل یافته است.

تولید اقتصادی نیز از منظر کمیت، وضعیت مناسبی نداشته و در دام رشد پایین و محدود گرفتار شده و رشد نوسانی و برخی اوقات منفی در تولید حقیقی مشاهده شده است. علاوه بر این، فقدان روش تولید انبوه، عدم وقوع انقلاب بهره‌وری، مبتنی نبودن تولید بخش سنتی بر علم و دانش، وابستگی بخش تولید مدرن به کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای وارداتی، عدم استفاده از صرفه‌های مقیاس در بنگاه‌ها،

رشد بیش از اندازه و نامتناسب بخش خدمات در مقایسه با درجه توسعه‌یافتگی اقتصادی و... نیز از مهمترین عواملی هستند که موجب نامناسب بودن کیفیت تولید در اقتصاد شده‌اند.

تورم نیز طی ۴ دهه گذشته همواره بالا بوده و در سال‌های ۱۳۷۴، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به طرز استثنایی افزایش یافته است. این تورم بالا عموماً نشئت گرفته از رشد نقدینگی فعال، انبوه طرح‌های نیمه‌تمام سرمایه‌گذاری (جاذبه تقاضا)، افزایش قیمت حامل‌های انرژی و نرخ ارز (فشار هزینه)، وجود قدرت قیمتگذاری دلخواه، ضعف فناوری تولید و... (علل ساختاری) بوده است که در خلال این سال‌ها، توزیع درآمد و تخصیص منابع را همواره به نفع بخش نامولد و به ضرر بخش مولد تغییر داده است.

نرخ ارز نیز به‌عنوان یکی دیگر از متغیرهای کلیدی کلان اقتصادی، منبعث از تعامل میان نیروهای بنیادی اقتصادی نیست و احاله تعیین آن توسط بازاری که اساساً وجود ندارد، سبب شده است تا اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی از مجرای افزایش نهاده‌های تولید تشدید گردد. در این میان، کسری بودجه دولت نیز مقیاس‌های جدیدی را تجربه نموده است به‌طوری که براساس اطلاعات موجود، بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی از حدود ۴۴۴ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۲ به ۱۳۵۵ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۰ و ۲۵۵۸ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۱ افزایش یافته است. بدیهی است با احتساب بدهی دولت به پیمانکاران، میزان بدهی‌های دولت، بیش از مقادیر مذکور خواهد بود. این در حالی است که نرخ ارز شدیداً افزایش یافته است، اما نه‌تنها کسری بودجه دولت مرتفع نگردیده، بلکه وضعیت آن بدتر شده، ضمن آنکه تولید نیز با محدودیت مواجه گردیده و قدرت خرید مردم عادی نیز به نصف تقلیل یافته است.

در شرایط فعلی و با کاهش درآمدهای ارزی پیشنهاد می‌شود که از استفاده نرخ ارز به‌عنوان ابزار ترازکننده بودجه دولت شدیداً احتراز گردد و ضمن نظارت شدید بر عملکرد مؤسسات مالی و بانک‌های خصوصی، ارز از پرتفوی آنها خارج شده و منابع ارزی با اولویت نیازهای ارزی تولید، کالاهای اساسی و دارو تخصیص یابد. کسری بودجه را نیز باید از طریق انضباط مالی، اصلاح ساختار هزینه‌ها و استقراض از سیستم بانکی در شرایط ضروری برطرف شود.

مقدمه

در اینجا وضعیت متغیرهایی را که به‌طور عمده، ثبات یا بی‌ثباتی اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بررسی می‌شوند که کلیدی‌ترین آنها عبارتند از: نقدینگی، تورم، کسر بودجه، تولید و ارز. بدین منظور در ابتدا، وضعیت موجود آنها ارزیابی و پس از آن، نحوه تعامل آنها و در نهایت، تأثیرپذیری آنها از فشارهای تحریم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**۱. نقدینگی**

در اقتصاد ایران باید هم به کمیت نقدینگی توجه کرد، هم به کیفیت آن و چه بسا بررسی کیفیت آن، اشارات سیاستی بااهمیتی به ما ارائه دهد. در اینجا ابتدا کمیت نقدینگی را مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس به ماهیت و کیفیت آن می‌پردازیم.

کمیت نقدینگی که در ابتدای برنامه اول حدود ۱۶۵۰ میلیارد تومان بود، هم‌اکنون به ۴۷۰ هزار میلیارد تومان در وسط برنامه پنجم بالغ شده و طی ۲۴ سال، رشد متوسط نقدینگی حدود ۳۰ درصد بوده است. استمرار و بالا بودن رشد مذکور، از یکسو، بزرگترین مانع برای تحقق اهداف برنامه‌های پنج‌ساله و ازسوی دیگر، انعکاسی از عدم موفقیت و عدم دستیابی به اهداف برنامه بوده است. این در حالی است که اهتمام مقامات پولی هم به‌طور مستمر، معطوف به محدود کردن رشد نقدینگی بوده است. نرخ‌های رشد مصوب در برنامه‌های اول و دوم و مقایسه آن با عملکرد رشد نقدینگی، گواه این مدعا است.

جدول ۱. مقایسه نرخ رشد و عملکرد نقدینگی با ارقام مصوب برنامه‌های اول و دوم
(میلیارد ریال/درصد)

| سال | برنامه | | عملکرد | |
|------|---------|--------|---------|---------|
| | نرخ رشد | حجم | نرخ رشد | حجم |
| ۱۳۶۸ | ۱۰/۸ | ۱۶,۹۸۸ | ۱۹/۵ | ۱۸,۷۵۳ |
| ۱۳۶۹ | ۱۱/۷ | ۱۸,۹۷۵ | ۲۲/۵ | ۲۲,۹۶۹ |
| ۱۳۷۰ | ۹/۲ | ۲۰,۷۲۶ | ۲۴/۶ | ۲۸,۶۲۸ |
| ۱۳۷۱ | ۵/۹ | ۲۱,۹۴۰ | ۲۵/۳ | ۳۵,۸۶۶ |
| ۱۳۷۲ | ۳/۵ | ۲۲,۷۰۷ | ۳۴/۲ | ۴۸,۱۳۵ |
| ۱۳۷۳ | ۱/۳۷ | ۵۳,۸۵۸ | ۲۸/۵ | ۶۱,۸۴۴ |
| ۱۳۷۴ | ۱۲/۵ | ۶۰,۵۶۴ | ۳۷/۵۶ | ۸۵,۰۷۲ |
| ۱۳۷۵ | ۱۲/۵ | ۶۸,۱۰۶ | ۳۷/۰۱ | ۱۱۶,۵۵۳ |
| ۱۳۷۶ | ۱۲/۵ | ۷۶,۵۸۶ | ۱۵/۲۱ | ۱۳۴,۲۸۶ |
| ۱۳۷۷ | ۱۲/۵ | ۸۶,۱۲۲ | ۱۹/۴۵ | ۱۶۰,۴۰۲ |
| ۱۳۷۸ | ۱۲/۵ | ۹۶,۸۴۵ | ۲۰/۱۳ | ۱۹۲,۶۸۹ |

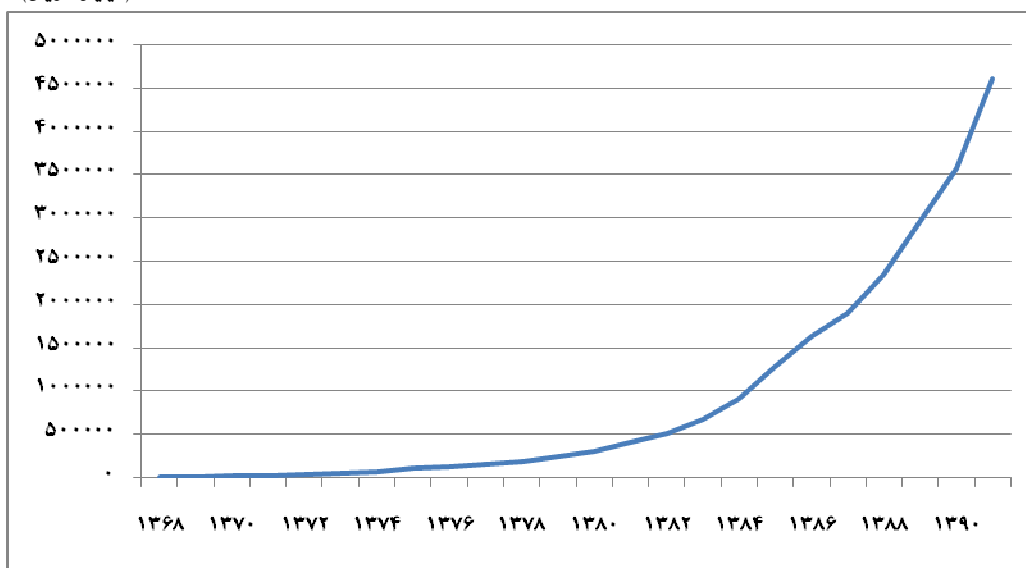
مأخذ: آمارهای اقتصادی، معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.

به‌طور کلی، روند افزایش نقدینگی با این شیب تند، گویای جنبه‌ای از بی‌ثباتی در اقتصاد کشور

است.

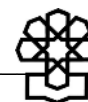
نمودار ۱. روند افزایش حجم نقدینگی

(میلیارد ریال)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی و گزیده آمارهای اقتصادی، بخش پولی و بانکی.

نکته قابل توجه این است که مانده نقدینگی از جمع سکه و اسکناس در دست مردم، سپرده‌های دیداری بخش خصوصی و سپرده‌های مدت‌دار پس‌اندازی نزد بانک‌های تجاری محاسبه شده و به دست می‌آید. اما اقلام معتدبه دیگری هم وجود دارد که کارکرد پول را دارند و در تحلیل تأثیرات پولی باید به حساب آورده شوند. یکی از این اقلام، چک‌های تاریخ‌دار مبادله شده است. اگر چک بدون تاریخ و وسیله‌ای برای برداشت آنی و جاری باشد نقشی در نقدینگی ندارد، اما اگر تاریخ‌دار باشد تا حد زیادی کارکرد پول را دارد زیرا با آن، کالا مبادله می‌شود خصوصاً اگر چندین دست میان مردم چرخش کند. لذا سرعت گردش آن هم مهم است و هرچه بیشتر در دست مردم بچرخد، معاملات بیشتری را پوشش می‌دهد و حکم افزایش نقدینگی را دارد. روند زمانی چک‌های مبادله شده در جدول ۲ ارائه شده است.



جدول ۲. روند زمانی چک‌های قابل مبادله و ارزش آن نسبت به تولید ناخالص داخلی و نقدینگی

(میلیارد ریال)

| ۱۳۹۰ | ۱۳۸۹ | ۱۳۸۸ | ۱۳۸۷ | ۱۳۸۶ | ۱۳۸۵ | ۱۳۸۴ | |
|------------|------------|-----------|-----------|-----------|-----------|-----------|----------------------------------------------------------------|
| ۱۲,۲۲۵,۲۰۰ | ۱۰,۲۸۴,۲۰۰ | ۷,۸۵۱,۵۰۰ | ۸,۱۴۹,۴۰۰ | ۷,۴۰۶,۲۳۴ | ۵,۲۵۹,۲۰۰ | ۳,۶۸۶,۹۴۹ | ارزش چک‌های عادی تحویلی به اتاق پایاپای اسناد بانکی |
| ۲ | ۲/۴ | ۲/۲ | ۲/۴ | ۲/۶ | ۲/۳ | ۱/۹۹ | نسبت ارزش چک‌های عادی تحویلی به اتاق پایاپای به GDP |
| ۳/۴ | ۳/۵ | ۳/۳ | ۴/۳ | ۴/۵ | ۴/۱ | ۴ | نسبت ارزش چک‌های عادی تحویلی به اتاق پایاپای به M ₂ |

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی کشور (سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۰).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در سال ۱۳۹۰ حدود ۱۲۰۰ هزار میلیارد تومان چک مبادله شده است که این مبلغ، حدود ۴ برابر مبلغ چک‌های مبادله شده در سال ۱۳۸۴ است. با نگاهی دقیق‌تر، ملاحظه می‌شود که این رقم، بیش از ۳ برابر نقدینگی کنونی رسمی است. ممکن است گفته شود که بسیاری از این چک‌ها بدون تاریخ است و برای پرداخت از حساب با تاریخ جاری استفاده می‌شود که در جواب گفته می‌شود این مطلب صحیح است، اما چک‌های مبادله شده به‌طور متوسط چند دست چرخش می‌کند. اگر نیمی از چک‌ها تاریخ‌دار باشند و سرعت چک‌ها به‌طور متوسط ۲ باشد، می‌توان گفت که این مبلغ به‌مثابه نقدینگی است. البته این تحلیل‌ها مبتنی بر دقت کامل نیست، اما کلیت آن، صحیح و حاکی از آن است که اقتصاد، در نقدینگی و وسیله دریافت - پرداخت غوطه‌ور است. یکی از اقلامی که باید در ارزیابی وضعیت نقدینگی به حساب آورد سرعت چرخش و گردش پول است. همان‌طور که می‌دانیم اگر سرعت گردش پول زیاد شود مثل این است که نقدینگی افزایش یافته است. وقتی در سال ۱۳۹۱، جمع تراکنش‌های انجام شده روی پایانه‌های فروش به حدود ۲ برابر GDP بالغ می‌شود و این نشان از آن دارد که پول به‌سرعت از این طریق در حال چرخش است. از طرفی مقرر شده بود که دو روز بعد از اینکه خرید از طریق کارت پرداخت، پول کالا را پرداخت می‌کند پول به حساب فروشنده واریز شود، اما بانک‌ها وقتی متوجه شدند این امر موجب رسوب پول نزد آنها می‌شود (برای نمونه در سال ۱۳۹۱ حدود ۶۰۰۰ میلیارد تومان نزد آنها رسوب پیدا کرده بود) این تأخیر در پایا شدن وجوه کارت‌ها را نادیده گرفتند و از این محل، شروع

به وام دادن کردند. در این مورد، علاوه بر اینکه به دلیل خلق اعتبار (که غیرقانونی است) نقدینگی افزایش می‌یابد، سرعت گردش پول نیز افزایش می‌یابد. بنابراین هم عدم رعایت وقفه در پرداخت به فروشنده و پایاپای کردن وجوه و هم حجم تراکنش‌های انجام شده گویای این است که سرعت گردش پول از این مجرا افزایش یافته است.

در مورد کیفیت نقدینگی هم چند عامل وجود دارد که باعث شده کیفیت نقدینگی تنزل یابد. در سال‌هایی که درآمدهای نفتی افزایش یافته، ارزهای زیادی وارد بودجه شده است و از طریق افزایش ذخایر ارزی بانک مرکزی یا مانده بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، نقدینگی را طوری افزایش داده است که در این سال‌ها، رشد نقدینگی از جمع رشد تولید و تورم بیشتر بوده است. طبیعتاً وقتی نقدینگی بیش از آن چیزی می‌باشد که برای پوشش افزایش قیمت‌ها و تورم و پوشش معاملات مربوط به تولید رشد یافته لازم است بقیه آن، صرف پوشش (نسبت به قبل بیشتر) معاملات نامرتب با GDP می‌شود، زیرا دستمزد، سود و اجاره در نهایت با تورم تعدیل می‌شوند نه بیشتر. مثلاً وقتی در سال ۱۳۸۵، نرخ رشد نقدینگی دو برابر نرخ رشد تولید و قیمت‌هاست این بدان معناست که از حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی افزایش یافته، مثلاً حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان آن صرف پوشش تورم حدود ۱۳/۵ درصدی و رشد حدود ۶ درصدی و حجم موجود معاملات نامرتب با GDP شده است و حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان آن، صرف معاملات اضافی نامرتب با GDP شده است. یعنی اگر سرعت گردش معاملاتی نقدینگی حدود ۵ باشد نقدینگی سال ۱۳۸۵ حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان بیشتر از قبل، معاملات نامرتب با GDP را پوشش داده است. این در واقع، بیانگر این است که معاملات مربوط به فعالیت‌های سوداگرانه به این مقدار افزایش یافته است. تمامی این موارد، حکایت از آن دارد که جریان درآمد سرمایه‌ای^۱ و عایدی سرمایه‌ای^۲ نسبت به درآمد اکتسابی به شدت افزایش یافته است که این امر، خود موجب رونق فعالیت‌های نامولد و محدود شدن تولید و اشتغال شده و خواهد شد.

یک تحلیل مقایسه‌ای می‌تواند به خوبی وضعیت کیفیت نقدینگی ما را ترسیم کند. در اقتصاد ژاپن و کره جنوبی، نقدینگی بسیار بیشتر از مقدار GDP است و بنابراین سرعت گردش درآمدی پول (که ماهیت حسابداری دارد) کمتر از یک است.

وضعیت مشابهی نیز در چین و مالزی مشاهده می‌شود. نکته معمایی این است که در این کشور، با وجودی که نقدینگی ۱/۵ برابر GDP است، اما تورم بسیار ناچیز است. البته بالا بودن نسبت نقدینگی به GDP مربوط به سطح بالای نقدینگی است، اما رشد آن محدود است. اما در

1. Flow of Capitalized Income

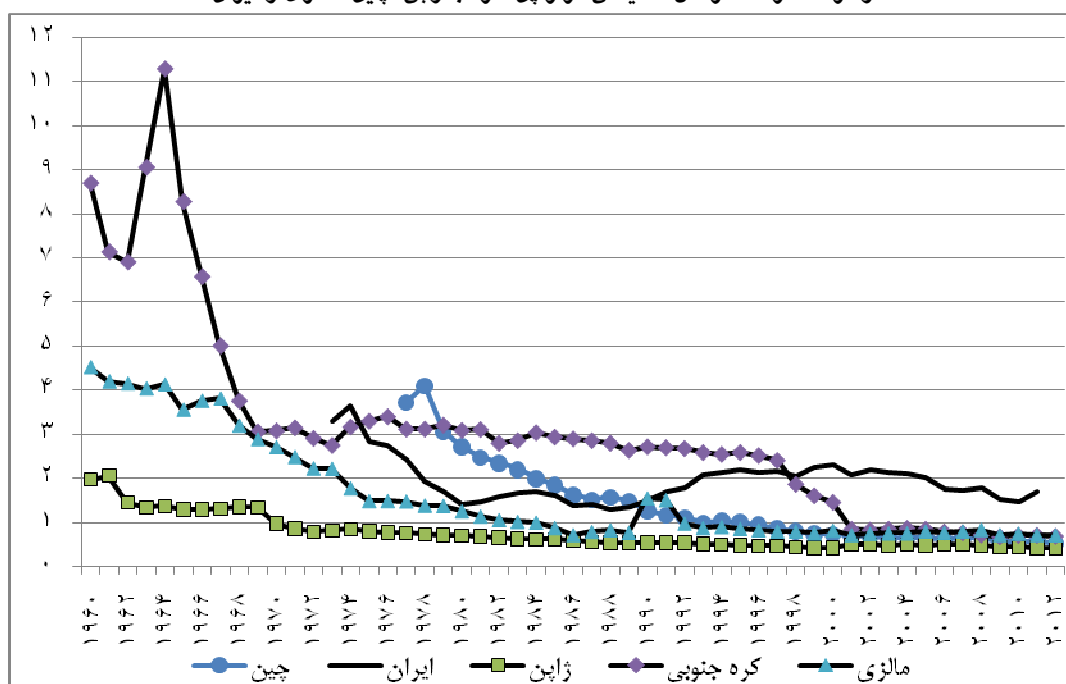
2. Capital Gain



اقتصاد ایران، نسبت نقدینگی به GDP بیش از یک است و سطح آن نسبت به GDP بسیار کمتر از کشورهای فوق‌الذکر است و در عین حال با تورم و رکود هم همراه است. قضیه اصلی مکتب بروات حقیقی^۱ این معما را رمزگشایی کرده است که می‌گوید ملاک انتشار مناسب پول، تولید است. تا وقتی که بانک مرکزی و بانک‌ها، بروات تولیدکننده‌ها را تنزیل کنند و انتشار پول به سمت تولید جهت‌دهی شود انتشار بیش از حد پول هم اتفاق می‌افتد.

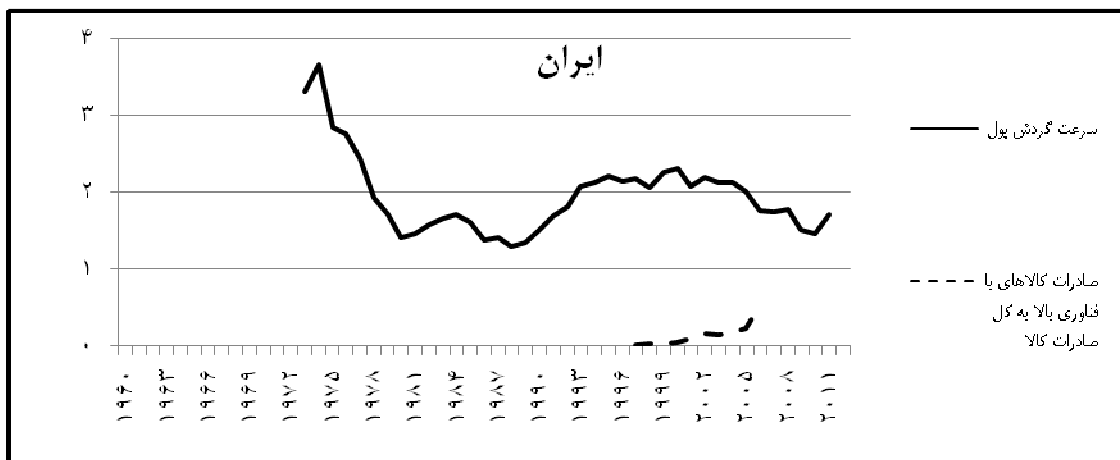
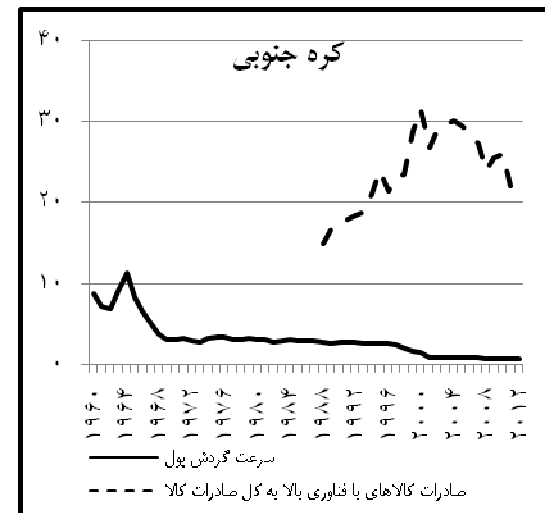
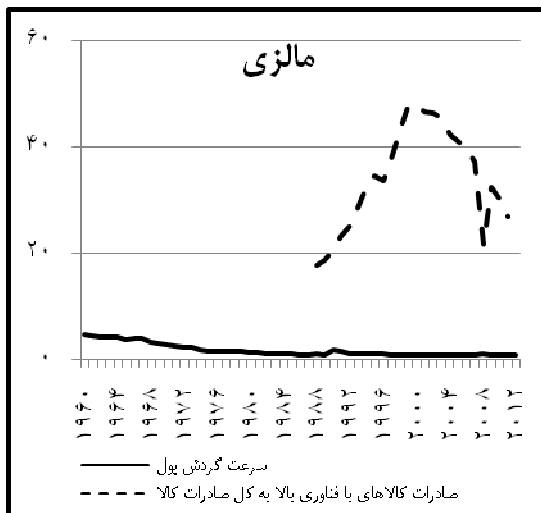
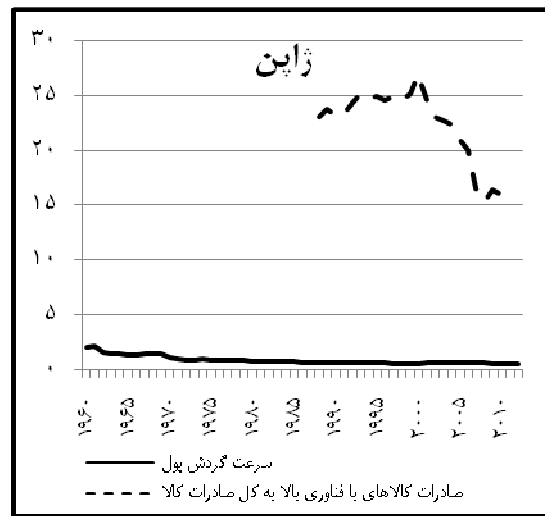
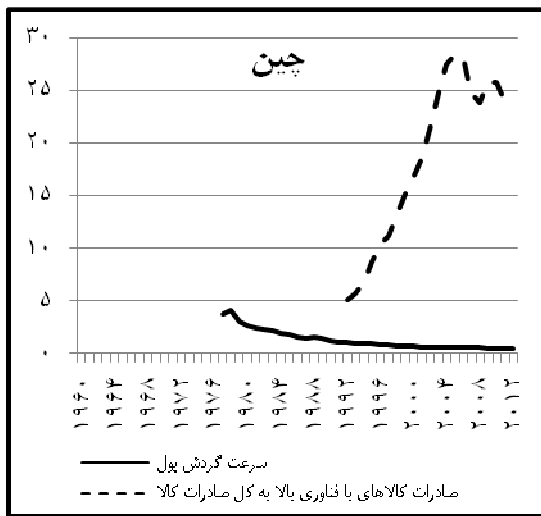
در ژاپن و کره جنوبی هم، همین امر اتفاق افتاده است. وقتی صدها میلیارد دلار کالای با تکنولوژی بالا در اقتصاد تولید و صادر می‌شود، یعنی مبادلات زیادی روی کالاهای واسطه‌ای انجام می‌شود. چه‌بسا برای تولید نهایی یک واحد محصول با تکنولوژی بالا صد مرحله تولید و ساخت لازم باشد و این مستلزم ده‌ها مبادله روی کالاهای واسطه‌ای است، لذا لازمه چنین اقتصادی، وجود حجم بالایی از نقدینگی است.

نمودار ۲. سرعت گردش نقدینگی در ژاپن، کره جنوبی، چین، مالزی و ایران



Source: World Bank (2013), "world development Indicators".

نمودار ۳. روند صادرات کالاهای با فناوری بالا به صادرات کالاها و سرعت گردش پول در کشورهای منتخب



Source: Ibid.



نکته جالب در اینجا این است که آمارها نشان می‌دهد همزمان با افزایش تولید کالاهای با تکنولوژی بالا، نسبت نقدینگی به GDP و سرعت درآمدی گردش پول کاهش یافته است. لذا وقتی مبنای کار اقتصاد، تولید باشد و محصولات با تکنولوژی بالا از سهم بالایی برخوردار باشد نقدینگی به تورم منجر نمی‌شود و اقتصاد را بی‌ثبات و نامتعادل نمی‌کند. اما در اقتصاد ما با وجودی که نقدینگی نسبت به GDP در مقایسه با کشورهای فوق کمتر است، اما همین مقدار فوق هم بسیار زیاد است. کالاهای با تکنولوژی بالا در اقتصاد از سهم ناچیزی برخوردار است، لذا فرآیند تولید کالا مستلزم معاملات زیاد روی کالاهای واسطه‌ای نیست. حتی همین فرآیندهای ساده تولید هم با مشکل تسهیلات و سرمایه در گردش مواجه‌اند و نقدینگی موجود عمدتاً به سمت فعالیت‌های نامولد و سوداگرانه معطوف است. لذا کیفیت نقدینگی ما پایین است و باید برای آن، چاره‌ای اندیشیده شود و آنچه در اقتصاد ایران اهمیت دارد این است که باید نقدینگی را به سمت تولید معطوف کرد.

۲. وضعیت تولید

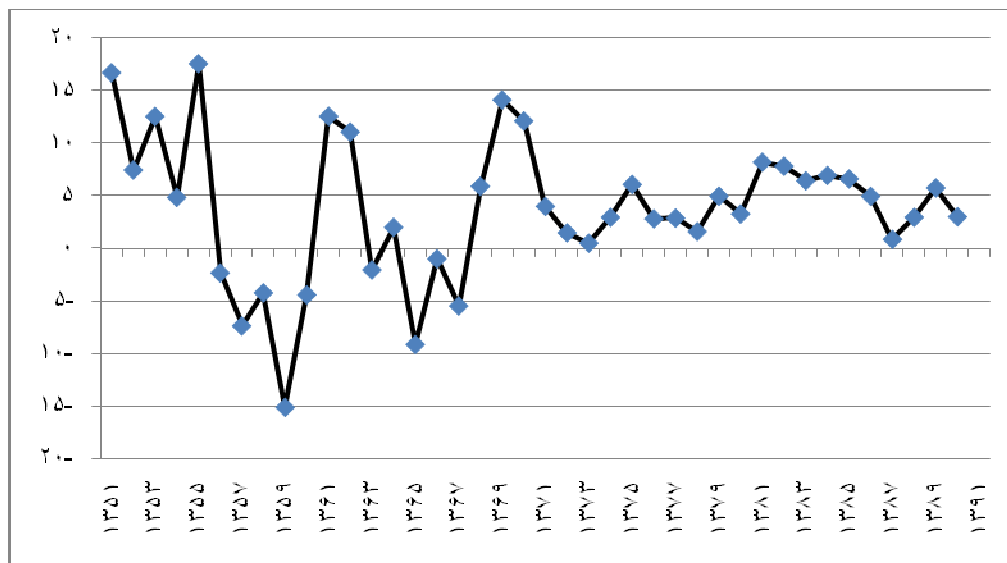
در مسئله تولید، هم کمیت مطرح است و هم کیفیت. کمیت تولید در طول ۴۰ سال گذشته وضعیت مناسبی نداشته است. روند رشد تولید ناخالص ملی حقیقی طی این دوره، گویای آن است که رشد نوسانی و بعضاً منفی تولید حقیقی که تولید در دام با رشد پایین و محدود گیر کرده است. اگرچه درآمدهای نفت به لحاظ اتحادی به طور قابل ملاحظه بر رشد تولید کل تأثیر گذارند، اما به لحاظ تابعی و تأثیرگذاری‌های مستقیم و غیرمستقیم دیگر، اقتصاد را به عارضه بیماری معروف هلندی سخت دچار کرده است. رشدهای تجربه شده در اقتصاد ما در دوره فوق‌الذکر با توجه به درجه توسعه‌یافتگی کشور به هیچ وجه مطلوب نیست و نوسانات شدید آن به خوبی گویای بی‌ثباتی این متغیر کلیدی و محوری است.

جدول ۳. رشد تولید ناخالص داخلی در ۴۰ سال گذشته

| سال | نرخ رشد | سال | نرخ رشد | سال | نرخ رشد | سال | نرخ رشد |
|------|---------|------|---------|------|---------|------|---------|
| ۱۳۵۱ | ۱۶/۷۱ | ۱۳۶۱ | ۱۲/۵۶ | ۱۳۷۱ | ۳/۹۹ | ۱۳۸۱ | ۸/۲ |
| ۱۳۵۲ | ۷/۴۵ | ۱۳۶۲ | ۱۱/۰۷ | ۱۳۷۲ | ۱/۴۸ | ۱۳۸۲ | ۷/۸۲ |
| ۱۳۵۳ | ۱۲/۵۵ | ۱۳۶۳ | -۲/۰۵ | ۱۳۷۳ | -۰/۴۹ | ۱۳۸۳ | ۶/۴۳ |
| ۱۳۵۴ | ۴/۸۵ | ۱۳۶۴ | ۲ | ۱۳۷۴ | ۲/۹۵ | ۱۳۸۴ | ۶/۹۴ |
| ۱۳۵۵ | ۱۷/۵۷ | ۱۳۶۵ | -۹/۱۵ | ۱۳۷۵ | ۶/۰۸ | ۱۳۸۵ | ۶/۶۱ |
| ۱۳۵۶ | -۲/۳۴ | ۱۳۶۶ | -۱ | ۱۳۷۶ | ۲/۸۱ | ۱۳۸۶ | ۴/۹۵ |
| ۱۳۵۷ | -۷/۳۸ | ۱۳۶۷ | -۵/۴۸ | ۱۳۷۷ | ۲/۸۷ | ۱۳۸۷ | -۰/۸۵ |
| ۱۳۵۸ | -۴/۲۳ | ۱۳۶۸ | ۵/۹۱ | ۱۳۷۸ | ۱/۶ | ۱۳۸۸ | ۲/۹۵ |
| ۱۳۵۹ | -۱۵/۱۳ | ۱۳۶۹ | ۱۴/۱۲ | ۱۳۷۹ | ۴/۹۶ | ۱۳۸۹ | ۵/۷۵ |
| ۱۳۶۰ | -۴/۴۲ | ۱۳۷۰ | ۱۲/۱۲ | ۱۳۸۰ | ۳/۲۸ | ۱۳۹۰ | ۳ |

Source: Ibid.

نمودار ۴. رشد تولید ناخالص داخلی در ۴۰ سال گذشته



Source: Ibid.

در اقتصاد ایران در قلمرو تولید، نه روش تولید انبوه به‌طور مطلوب محقق شده و نه انقلاب بهره‌وری رخ داده است. در حالی‌که در دنیای جدید برای رهایی از دام رشد پایین و تعادل حداقل معیشت باید این دو امر اتفاق بیفتد. تولید بخش کالایی اقتصاد ایران یا سنتی است یا مدرن وابسته. بخشی از اقتصاد با همان روش سنتی اداره می‌شود و روش‌های جدید مبتنی بر دانش در آن موضوعیت ندارد. بخشی هم مدرن است، اما از ناحیه کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مواد اولیه وابسته به واردات از خارج است.



جدول ۴. وابستگی به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه و محاسبه ارزش‌بری تولید

| سال | واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای ^(۱) (میلیون دلار) | واردات کالاهای سرمایه‌ای ^(۲) (میلیون دلار) | تولید ناخالص داخلی ^(۳) (میلیون دلار) | ارزش‌بری تولید ^(۴) (درصد) |
|------|-------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------|-------------------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱۳۸۱ | ۹,۷۶۶ | ۹,۶۶۸ | ۱۱۶,۴۲۱ | ۱۶/۷ |
| ۱۳۸۲ | ۱۲,۱۸۷ | ۱۱,۲۲۶ | ۱۳۵,۴۱۰ | ۱۷/۳ |
| ۱۳۸۳ | ۱۶,۸۹۸ | ۱۲,۱۰۵ | ۱۶۳,۲۲۷ | ۱۷/۸ |
| ۱۳۸۴ | ۲۵,۲۶۹ | ۹,۱۶۵ | ۱۹۲,۰۱۵ | ۱۷/۹ |
| ۱۳۸۵ | ۲۷,۱۵۵ | ۸,۱۷۲ | ۲۲۲,۸۸۱ | ۱۵/۹ |
| ۱۳۸۶ | ۳۲,۹۴۳ | ۸,۷۹۸ | ۲۸۶,۰۵۸ | ۱۴/۶ |
| ۱۳۸۷ | ۳۷,۶۹۶ | ۱۰,۵۰۵ | ۳۳۸,۱۸۷ | ۱۴/۳ |
| ۱۳۸۸ | ۳۵,۹۳۶ | ۹,۸۱۲ | ۳۳۱,۰۱۵ | ۱۳/۸ |
| ۱۶/۱ | متوسط | | | |

(۱) و (۲) گزارش اقتصادی و ترانزنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳ و ۱۳۸۸).

(۳) بانک جهانی، اطلاعات سری زمانی (۲۰۰۹).

(۴) محاسبات محقق (مجموع ارقام واردات واسطه‌ای و سرمایه‌ای بر تولید ناخالص داخلی تقسیم شده و حاصل به صورت درصد بیان شده است).

ضمن وجود وابستگی فوق، تولید مدرن از کارآیی و بهره‌وری لازم برخوردار نیست. منظور از کارآیی، رعایت مقیاس و استفاده از صرفه‌های مقیاس در بنگاه‌هاست. در اقتصاد ما، بی‌توجه به مقیاس، ورود به صنایع مختلف انجام شده است.

جدول ۵. تعداد بنگاه‌ها در برخی صنایع داخلی و مقایسه با کشورهای خارجی

| نام صنعت | وضعیت ایران | وضعیت برخی کشورهای منتخب |
|-----------|---------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------|
| خودروسازی | - مجموع ظرفیت تولید ۳۸ شرکت خودروسازی ایران، ۱,۵۹۹,۴۵۴ دستگاه | - مجموع ظرفیت تولید ۱۵ شرکت خودروسازی ترکیه ۱,۰۹۴,۵۵۷ دستگاه |
| | | - مجموع ظرفیت تولید ۱۱ شرکت خودروسازی ژاپن ۹,۶۲۵,۹۴۰ دستگاه |
| | | - مجموع ظرفیت تولید ۵ شرکت خودروسازی کره جنوبی ۴,۲۷۱,۹۴۱ دستگاه |
| | | - مجموع ظرفیت تولید ۴ شرکت خودروسازی مالزی ۵۶۷,۷۱۵ دستگاه |
| | | - مجموع ظرفیت تولید ۵۳ شرکت خودروسازی چین ۱۸,۲۶۴,۸۶۷ دستگاه |
| | | - مجموع ظرفیت تولید ۵ شرکت خودروسازی ایتالیا ۸۵۷,۳۵۹ دستگاه |
| | | - مجموع ظرفیت تولید ۸ شرکت خودروسازی فرانسه ۲,۲۲۷,۳۷۴ دستگاه |

| نام صنعت | وضعیت ایران | وضعیت برخی کشورهای منتخب |
|------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| | | <p>- مجموع ظرفیت تولید ۲۹ شرکت خودروسازی آمریکا ۷,۷۸۱,۴۴۰ دستگاه</p> <p>- مجموع ظرفیت تولید ۱۸ شرکت خودروسازی برزیل ۳,۶۴۸,۳۵۸ دستگاه</p> <p>- مجموع ظرفیت تولید ۱۹ شرکت خودروسازی انگلستان ۱,۳۹۳,۴۶۳ دستگاه</p> <p>- مجموع ظرفیت تولید ۱۲ شرکت خودروسازی آلمان ۵,۹۰۵,۹۵۸ دستگاه</p> |
| فولاد | - مجموع ظرفیت تولید ۱۱ شرکت فولاد دولتی و ۱۱۶ شرکت خصوصی معادل ۳۸/۶ میلیون تن می‌باشد | - مجموع ظرفیت تولید ۳ شرکت کره جنوبی ۵۲/۳ میلیون تن بوده است |
| سیمان | <p>- مجموع ظرفیت تولید ۷۱ کارخانه فعال سیمان معادل با ۷۰,۱۶۷,۸۱۲ تن می‌باشد</p> <p>- حدود ۹۰ کارخانه در حال ساخت با جمع ظرفیت ۱۲۳,۷۱۳,۱۵۵ با درصدهای مختلف پیشرفت وجود دارد</p> <p>- ۴۴ واحد نیز طرح توسعه با صفر درصد پیشرفت وجود دارد که ظرفیت آنها معادل با ۴۹,۱۷۱,۴۰۰ تن است</p> <p>- به‌طور کلی، متوسط کل ظرفیت هر واحد در ایران ۱,۲۳۳,۷۶۸ تن است</p> | <p>- در سال ۲۰۰۴ میلادی، کل تولید ۱۰ کارخانه کره جنوبی معادل با ۵۹,۱۹۴,۰۰۰ تن بوده که به معنای آن است که متوسط تولید هر واحد ۵,۹۱۹,۴۰۰ واحد می‌باشد</p> |
| موتورسیکلت | <p>- مجموع واحدهای فعال، باطل، راکد و در دست اجرا معادل با ۳۲۸ واحد است که ظرفیت تولیدی معادل با ۶,۸۵۰,۵۹۷ دستگاه موتورسیکلت را دارد</p> | <p>- تولید مجموع ۲۰ شرکت در سال ۲۰۰۷ در ایتالیا معادل با ۵۶۱,۶۵۵ دستگاه بوده است</p> <p>- تولید مجموع ۲۸ شرکت در سال ۲۰۰۹ در چین معادل با ۲۳,۹۳۰,۰۰۰ دستگاه بوده است</p> <p>- ظرفیت تولید ۱۱ شرکت در سال ۲۰۱۰ در هند معادل ۱۷ میلیون دستگاه بوده است</p> <p>- تولید ۴ شرکت در سال ۲۰۰۷ در آلمان معادل با ۲۶۱,۰۹۸ دستگاه بوده است</p> <p>- مجموع تولید ۴ شرکت ژاپنی در سال ۲۰۰۱ معادل با ۲,۳۲۷,۶۶۸ دستگاه بوده است</p> |
| بانکداری | <p>- در ایران، ۲۸ بانک دولتی و خصوصی وجود دارد و تعداد تعاونی‌های اعتباری ۸۸۴ عدد است در حالی که رقم GDP در سال ۲۰۱۰ معادل با ۳۲۵ میلیارد دلار بوده است</p> | <p>- در کره جنوبی با GDP ۸۴۲ میلیارد دلاری، ۳۰ بانک مشغول به کارند</p> <p>- در ترکیه با GDP ۶۱۴ میلیارد دلاری، ۴۵ بانک مشغول به کارند</p> <p>- در کانادا با GDP ۱۲۸۵ میلیارد دلاری، ۱۷ بانک مشغول به کارند</p> <p>- در چین با GDP ۴۹۸۴ میلیارد دلاری، ۳۰ بانک مشغول به کارند</p> <p>- در برزیل با GDP ۲۰۲۳ میلیارد دلاری، ۱۴ بانک مشغول به کارند</p> |



| نام صنعت | وضعیت ایران | وضعیت برخی کشورهای منتخب |
|---------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------|
| رب گوجه‌فرنگی | - مجموع تولید ۲۹۷ واحد رب گوجه‌فرنگی ۱,۱۰۹,۵۰۹ تن می‌باشد - بیش از ۴۲۷ طرح توسعه‌ای با درصدهای مختلف پیشرفت وجود دارد که ظرفیتی معادل با ۱,۶۷۹,۹۴۶ تن دارند | |
| طیور | - در مجموع، ۱۸۱۹۲ واحد مرغداری در ایران وجود دارد که کل ظرفیت تولید آنها ۲۸۵,۰۲۸,۳۸۸ عدد است که ظرفیت هریک از این واحدها به‌طور متوسط، برابر با ۱۵,۶۷۷ عدد خواهد بود | |

مأخذ: دفتر اقتصاد کلان اتاق بازرگانی ایران.

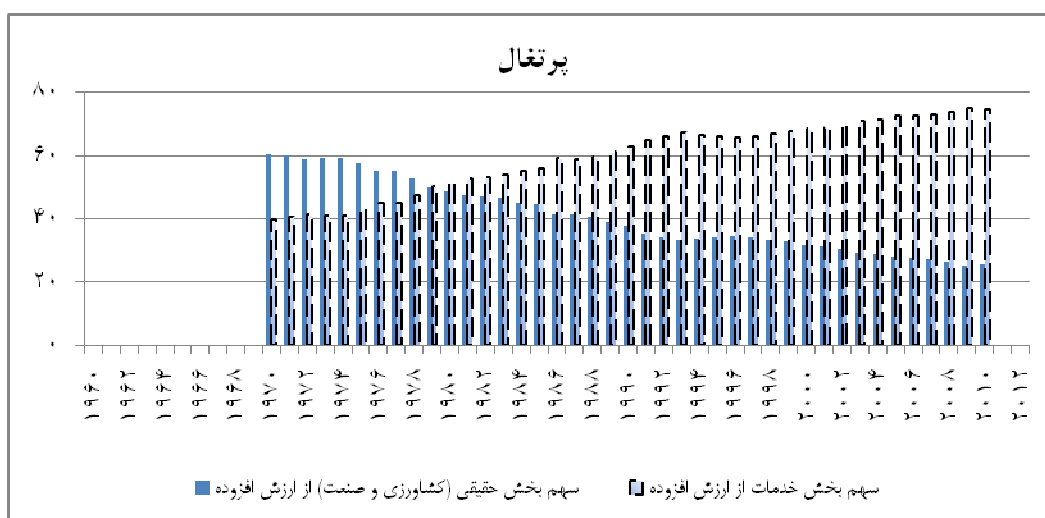
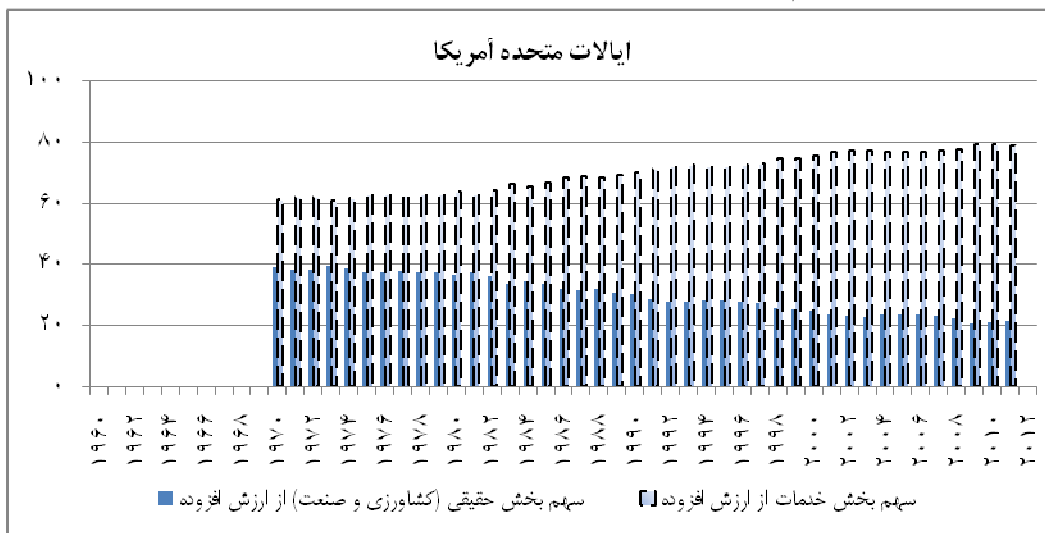
صنایع خودروسازی، فولاد، سیمان، موتورسیکلت‌سازی، بانکداری، رب گوجه‌فرنگی یا طیور، نوعاً اینگونه عمل کرده‌اند، در حالی‌که مقیاس، شرط مبنایی کارآیی است. بهره‌وری هم پایین است که عمدتاً از دو دلیل مهم نشئت می‌گیرد. نخست نبود کارآیی، زیرا وقتی چینه‌های صحیح و تشکیلات تولیدی بهینه انتخاب نشود طبیعتاً بازدهی هر واحد هزینه کاهش می‌یابد و این همان کاهش بهره‌وری است. دلیل دوم، نبود نوآوری، تحقیق و توسعه، اختراع و اکتشاف در حوزه تولید است. لذا رقابت‌پذیری فنی در صنایع مدرن دچار کُندی و محدودیت است. در صنایعی نظیر پتروشیمی که صنعتی فرآیندی است تنها حلقه وسط که همان تولید محصولات خام و اولیه شیمیایی است را گرفته‌ایم و حلقه‌های دانش فنی، دانش نصب و راه‌اندازی و حلقه‌های تولید کالاهای مختلف با ارزش‌افزوده بالا را رها کرده‌ایم که اینها همه خود منجر به کاهش نسبی ستانده به داده و بنابراین کاهش بهره‌وری شده است.

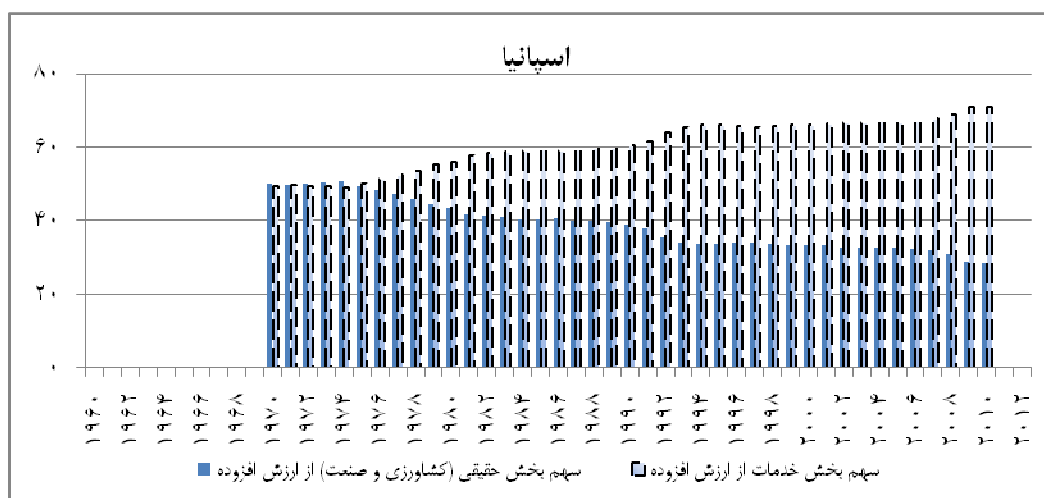
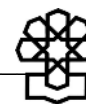
اندازه بخش خدمات هم متناسب با درجه توسعه‌یافتگی اقتصاد نیست و نسبت به درجه توسعه‌یافتگی کنونی اقتصاد بسیار شدیدتر رشد کرده است. معمولاً بعد از انقلاب بهره‌وری و تولید انبوه، خدمات گسترش می‌یابد زیرا دستمزدها به دنبال افزایش بهره‌وری، افزایش می‌یابد و زمینه برای تقاضای گسترده خدمات فراهم می‌شود. اما کیفیت خدمات انبوه در اقتصاد ما نیز نامتناسب است و به هیچ‌وجه با خدمات رشد یافته بعد از ارتقا و انقلاب بهره‌وری مشابه نیست. به‌طوری‌که بخش زیادی از آن، شامل فعالیت‌های نامولد است.

لذا قسمتی از خدمات کل و بخش نامولد به‌طور کلی نه‌تنها مشوق و مکمل تولید نیستند (در حالی‌که خدمات در دنیای توسعه‌یافته مکمل و تقویت‌کننده تولید است) بلکه با جذب منابع به خود و رایج کردن بازدهی‌های بالا در اقتصاد، هزینه فرصت سرمایه‌گذاری در بخش تولید را بالا می‌برد. بخش نامولد چنان در نظام پاداش‌دهی نفوذ یافته است که بخش زیادی از تولید کالایی را از آن

خود می‌کند و موجب می‌شود عوامل مولد روز به روز ضعیف‌تر و مأیوس‌تر شوند. اساساً بخش خدمات باید متناسب و مکمل و سازگار با بخش تولید کالایی باشد. اگر این دنباله‌روی منطقی و این تناسب و سازگاری رعایت نشود حتی اقتصادهای توسعه‌یافته هم دچار مشکل می‌شوند. اخیراً در برخی کشورهای اروپایی و آمریکا، بخش خدمات مالی بی‌توجه به مقتضیات بخش تولید گسترش پیدا کرد و خدمات مالی به‌طور مستقل، فعالیت‌های گسترده انجام داد، اقتصادهای آنها نیز دچار مشکل شد. بحران ۲۰۰۸ و تداوم آثار آن در اقتصاد آمریکا و بحران اسپانیا، یونان و پرتغال، نمونه‌هایی از این وضعیت هستند.

نمودار ۵. روند تحولات سهم خدمات و بخش حقیقی (کشاورزی و صنعت) از ارزش افزوده در کشورهای منتخب

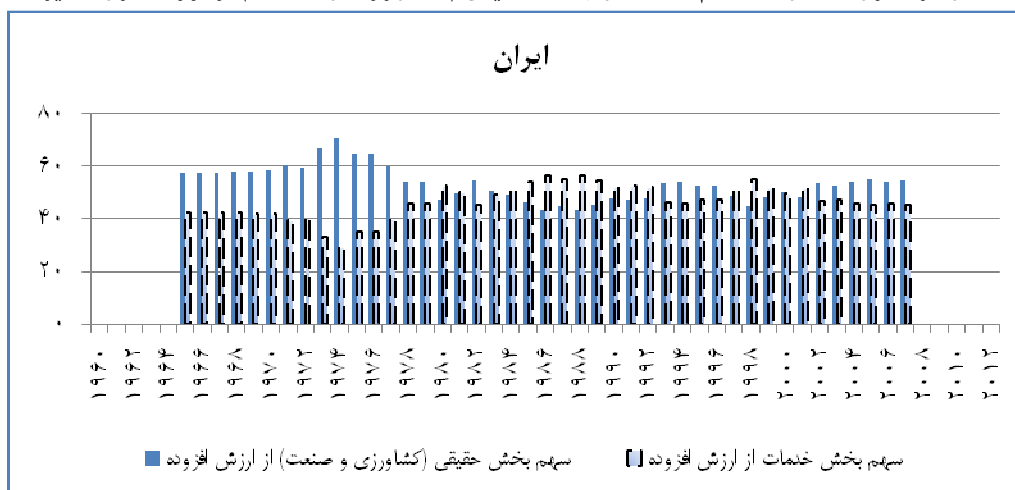




Source: Ibid.

همان‌طور که از نمودارها ملاحظه می‌شود در کشورهای که در بحران اخیر دچار مشکل شده‌اند، کشورهای بوده‌اند که سهم نسبی خدمات در آنها، روندی رو به افزایش داشته است و کشورهای که بحران مذکور تأثیر چندانی بر آنها نداشته است عمدتاً سهم نسبی خدمات بالا نبوده است. در اقتصاد ایران هم همان‌طور که ملاحظه می‌شود بخش خدمات نسبت به تولید از جایگاه بالایی برخوردار است.

نمودار ۶. روند تحولات سهم خدمات و بخش حقیقی (کشاورزی و صنعت) از ارزش افزوده ایران



Source: Ibid.

نکته قابل ذکر در اینجا این است که سهم نسبی خدمات به خودی خود، دلالت بر وضعیت مطلوب یا نامطلوب ندارد. بلکه آنچه مهم است کیفیت خدمات و ترکیب آن است و اگرچه در کشورهای باثبات که خدمات مالی مکمل تولید است سهم خدمات نیز در اقتصاد بالا می‌باشد. اساساً

مشکلات دنیای پیشرفته امروز و بحران دنیای سرمایه‌داری به‌خاطر رشد بی‌رویه بخش مالی نسبت به بخش‌های مولد است.

جدول ۶. روند افزایش دارایی‌های مالی جهان طی سه دهه

| عنوان | ۱۹۸۰ | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۵ | ۲۰۰۰ | ۲۰۰۵ | ۲۰۰۶ | ۲۰۰۷ |
|--------------------------------------------------------|------|------|------|------|------|------|------|
| تولید ناخالص جهانی | ۱۰/۱ | ۲۱/۵ | ۲۹/۴ | ۳۱/۷ | ۴۴/۸ | ۴۸/۳ | ۵۴/۵ |
| دارایی‌های مالی جهانی | ۱۲ | ۴۳ | ۶۶ | ۹۴ | ۱۴۲ | ۱۶۷ | ۲۳۰ |
| شدت فزونی دارایی‌های مالی به تولید ناخالص جهانی (درصد) | ۱۰۹ | ۲۰۱ | ۲۲۳ | ۲۹۴ | ۳۱۷ | ۳۴۶ | ۴۲۲ |

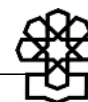
Source: Haworth, Bill (2009), "Financial Sector Development and Global Economic Crises", International Finance Corporation, World Bank Group.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود نسبت دارایی مالی به GDP جهانی از ۱۰۹ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۴۷۰ درصد در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است و این بیانگر آن است که وقتی تریلیون‌ها دلار از ناحیه کاغذبازی در بازارهای مالی دنیا درآمد عاید شود زمینه محدودیت تولید را فراهم خواهد کرد. در حالی‌که ما باید از درون تولید صنعتی و صنایع دستی با استفاده از تجارت صنعتی مدرن دنیا به سمت صنعتی شدن پیش می‌رفتیم، اما ابتدا کالاهای مصرفی مدرن از خارج وارد کردیم و سپس برای آنها (نه برای کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای آنها) جایگزینی واردات انجام داده‌ایم و عملاً صنعت با این ماهیت را در مقابل بخش سنتی قرار دادیم. لذا به‌جای اینکه عدم تعادل میان بخش سنتی و مدرن به صنعتی شدن و شیوه‌های نوین تولید در کل اقتصاد منجر شود، دوگانگی در این دو بخش تشدید شد و زمینه‌های رشد و پویایی تولید را محدود و محدودتر کرد. در این میان، حضور پر قدرت بخش نامولد هم مزید بر علت شده است و تولید را محدود و زمین‌گیر کرده است. کیفیت سرمایه‌گذاری‌ها نیز رشد تولید و چشم‌اندازهای آن را کاملاً محدود کرده است. با وجودی‌که نسبت سرمایه‌گذاری به GDP در کشور نسبتاً بالاست، اما این سرمایه‌گذاری‌ها همه به انباشت سرمایه مفید و مولد منجر نمی‌شود.

جدول ۷. نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ($\frac{I}{P}$) طی دهه اخیر (میلیارد ریال)

| عنوان | ۱۳۸۲ | ۱۳۸۳ | ۱۳۸۴ | ۱۳۸۵ | ۱۳۸۶ | ۱۳۸۷ | ۱۳۸۸ | ۱۳۸۹ | ۱۳۹۰ |
|-----------------------------------|---------|-----------|-----------|-----------|----------|-----------|-----------|-----------|-----------|
| تشکیل سرمایه | ۳۱۸,۸۲۰ | ۴۰۱,۷۶۵ | ۴۷۴,۹۸۳ | ۵۴۴,۲۴۹ | ۶۸۵,۴۵۲ | ۹۵۷,۲۷۱ | ۹۴۹,۳۵۴ | ۱,۱۴۶,۹۱۷ | ۱,۵۲۳,۳۰۴ |
| درآمد ملی | ۹۴۷,۴۵۲ | ۱,۲۰۴,۷۰۶ | ۱,۶۵۳,۹۹۶ | ۲,۰۲۹,۱۸۶ | ۲۵۸,۳۶۴۶ | ۳,۰۶۱,۵۵۴ | ۳,۱۷۷,۲۳۸ | ۳,۸۵۱,۸۰۳ | ۵,۵۸۸,۶۰۳ |
| نسبت سرمایه‌گذاری به تولید (درصد) | ۳۳/۶۵ | ۳۳/۳۵ | ۲۸/۷۲ | ۲۶/۸۲ | ۲۶/۵۳ | ۳۱/۲۷ | ۲۹/۸۸ | ۲۹/۷۸ | ۲۷/۲۶ |

مأخذ: بانک مرکزی، گزارش‌های مختلف مربوط به شاخص‌های عمده اقتصادی.

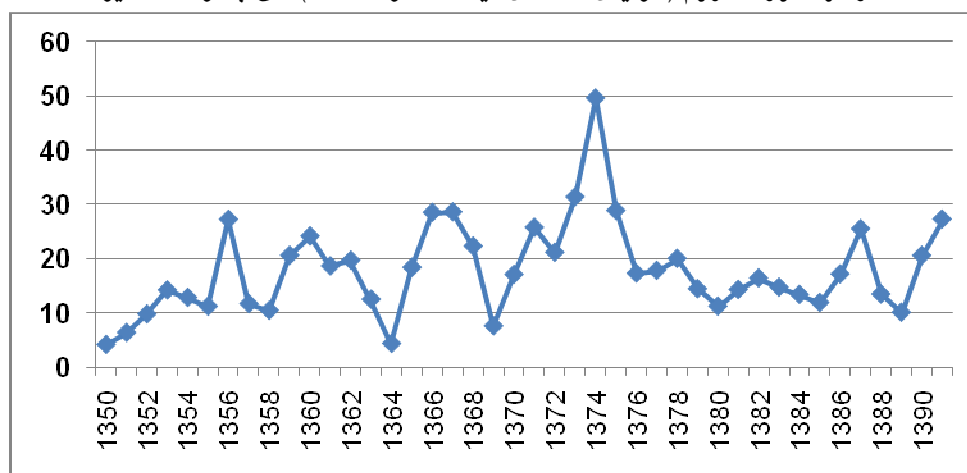


ما حدود ۵۷ هزار طرح نیمه‌تمام داریم که بیش از ۷۰ درصد آنها تنها ۰ تا ۲۰ درصد پیشرفت اجرایی داشته‌اند. این بدین معناست که مشکل ما، مشکل منابع نیست و مسئله نحوه اجرا وجود دارد. لذا با وجودی که حجم سرمایه‌گذاری انجام شده بالاست، اما بخش زیادی از آنها به سرمایه واقعی تبدیل نمی‌شود. بنابراین تولید دچار وضعیت دوگانگی و عدم تعادل میان بخش‌های سنتی و مدرن است. بخش صنعتی هم از مشکل مقیاس و کارایی رنج می‌برد و بنابراین به‌خاطر این ناکارایی و نبود تحقیق و توسعه و نوآوری، بهره‌وری تولید صنعتی هم پایین است و تولید به‌طور کلی به درآمدهای ارزی و واردات کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مواد اولیه وابسته است. نکته جالب توجه این است که طی اجرای ۵ برنامه توسعه در دو دهه گذشته، سیاست‌های تعدیل و اصلاح ساختار که به‌طور مکرر اجرا شده، نتوانسته است وضعیت تولید را بهبود ببخشد. حتی با تقویت بخش نامولد، وضعیت بنیه تولیدی کشور بدتر هم شده است.

۳. وضعیت تورم

چهار دهه است که تورم در اقتصاد ایران مستقر شده است و روز به روز بر پیچیدگی‌های آن افزوده می‌شود. کمیت تورم در طول ۴ دهه همیشه بالا بوده است و در بعضی سال‌ها مثل سال ۱۳۷۴، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، وضعیت استثنایی داشته است.

نمودار ۷. روند تورم (افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده) طی چهار دهه اخیر



Source: World Bank (2013), "world development Indicators".

جدول ۸. رتبه تورم و نرخ تورم طی دهه اخیر

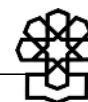
| | | | | | | | | | | |
|------|-------|-------|-------|-------|-------|------|-------|-------|-------|-----------|
| ۱۳۹۱ | ۱۳۹۰ | ۱۳۸۹ | ۱۳۸۸ | ۱۳۸۷ | ۱۳۸۶ | ۱۳۸۵ | ۱۳۸۴ | ۱۳۸۳ | ۱۳۸۲ | |
| ۲۷/۳ | ۲۰/۶۲ | ۱۰/۱۴ | ۱۳/۵۰ | ۲۵/۵۵ | ۱۷/۲۱ | ۱۱/۹ | ۱۳/۴۳ | ۱۴/۷۶ | ۱۶/۴۷ | نرخ تورم |
| ۳ | ۶ | ۱۹ | ۸ | ۵ | ۵ | ۱۴ | ۱۷ | ۱۰ | ۱۴ | رتبه تورم |

Source: Ibid.

تداوم تورم دو رقمی طی چهار دهه گذشته همراه با رشد نسبتاً محدود تولید ناخالص ملی حقیقی نشانگر رسوخ پدیده شوم رکود تورمی در اقتصاد کشور است. ماهیت تورم هم نامناسب است. اساساً کیفیت تورم به میزان آثار تخصیصی و توزیعی آن و بی‌تفاوتی آن نسبت به تخصیص و توزیع بستگی دارد. اما تأثیر توزیعی و تخصیصی تورم در ایران قابل ملاحظه است و روز به روز شدیدتر می‌شود. یعنی تورم در اقتصاد ایران هم توزیع درآمد و هم تخصیص منابع را به نفع عوامل نامولد و به زیان عوامل مولد تغییر می‌دهد. اساساً بخش نامولد در اقتصاد ایران از ناحیه تورم تقویت می‌شود. لذا اگر بخواهیم در مواقع تورم بالا، نرخ تورم را در نرخ سود تسهیلات تولید تعبیه کنیم تولیدکننده توان پرداخت بهره‌های بالا را ندارد، زیرا تورم برای تولیدکننده متناسب عمل نمی‌کند و قیمت تولیدکننده متناسب با تورم تغییر نمی‌کند و هزینه‌هایش بیش از تناسب تورم تغییر می‌کند. اما اگر تورم ماهیت متناسب داشت تعبیه نرخ تورم در نرخ سود تسهیلات کاملاً امکان‌پذیر بود.

یکی دیگر از خصوصیات تورم، حالت اینرسی و ماندگاری آن است. همان‌طور که در این سال‌ها شاهد بودیم مکرر گفته می‌شود که چون چندین سال تورم دو رقمی داشته‌ایم باید نرخ ارز هم افزایش پیدا کند تا صادرکنندگان متضرر نشوند. اما وقتی نرخ ارز افزایش می‌یابد تورم داخلی دوباره متناسب با تورم و حتی بیشتر افزایش می‌یابد. خصوصیت دیگر تورم موجود، وجود علل چندگانه است. تورم هم از ناحیه جاذبه تقاضا، هم از ناحیه فشار هزینه و هم به علل متعدد ساختاری ایجاد و تقویت می‌شود.

جاذبه تقاضا به رشد نقدینگی فعال، وجود انبوه طرح‌های نیمه‌تمام سرمایه‌گذاری مربوط است. همان‌طور که در بخش قبلی ملاحظه شد، رشد نقدینگی به‌طور مستمر بالا بوده است. اگر از جنبه‌های انفعال پولی و انعطاف سرعت گردش پول در شرایط کنونی اقتصاد کشور بگذریم، در هر صورت رشد نقدینگی، یکی از عوامل مهم تورم بوده است و انضباط پولی و جهت‌دهی آن به سمت تولید می‌تواند پویایی‌های تورم به‌طور مبنایی را تضعیف کند. وجود طرح‌های نیمه‌تمام و تعداد بالای طرح‌های در حال اقدام باعث می‌شود که سرمایه‌گذاری‌ها به سرمایه تبدیل نشوند و از مجرای طرف عرضه و فراوان شدن کالا، فشار تورم را کاهش ندهند، بلکه برعکس با بالا نگه داشتن تقاضا، مدام به افزایش قیمت‌ها دامن بزنند.



جدول ۹. طرح‌های نیمه‌تمام

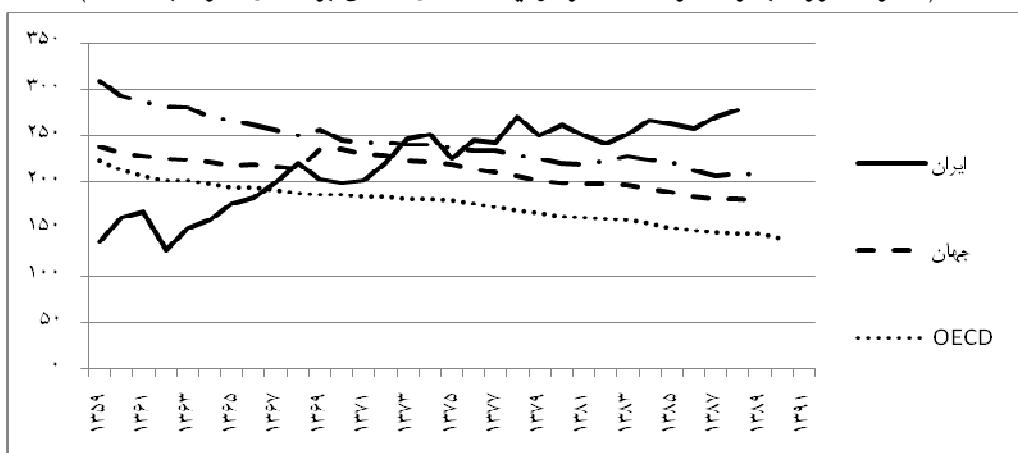
| درصد پیشرفت | تعداد | سهم از کل پروژه‌های نیمه‌تمام (درصد) |
|-----------------|--------|--------------------------------------|
| صفر تا ۲۰ | ۳۹۸۱۷۷ | ۷۰ |
| ۲۰ تا ۳۹ | ۶۸۳۱ | ۱۲ |
| ۴۰ تا ۵۹ | ۵۳۵۲ | ۹ |
| ۶۰ تا ۷۹ | ۲۵۵۸ | ۴ |
| ۸۰ درصد به بالا | ۲۷۳۹ | ۵ |

مأخذ: وزارت صنعت، معدن و تجارت، «پیش‌نویس برنامه راهبردی صنعت، معدن و تجارت (سطح کلان)»، ویرایش دوم، دی ماه، ۱۳۹۱، ص ۱۱۵.

تورم فشار هزینه نیز در ایران کاملاً فعال است. سیاست‌های شوک‌درمانی اخیر، بالا بردن قیمت حامل‌های انرژی و پرش نرخ ارز باعث این شد که هزینه‌های تولید به شدت افزایش یابند، زیرا هم شدت کاربرد انرژی در صنایع ما نسبت به دنیا بالاست و هم اینکه تولید داخلی به واردات کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مواد اولیه وابسته است.

نمودار ۸. مقایسه روند شدت کاربرد انرژی ایران نسبت به دنیا

(مصرف انرژی به‌ازای هر ۱۰۰۰ دلار تولید ناخالص داخلی براساس دلار ثابت ۲۰۰۵)



Source: World Bank (2013), "world development Indicators".

انتظارات تورمی شعله‌ور شده ناشی از فضای شوک‌درمانی نیز هزینه‌های تولید را موجه و بدون توجیه (هر دو) به شدت بالا برده است. از همه مهمتر واردات انحصاری نهاده‌ها و کالاهای واسطه‌ای و وضع سوده‌های بالا بر آنها نیز هزینه‌های تولید را به‌طور قابل ملاحظه افزایش داده است. از آنجا که بخشی از پول در اقتصاد حالت منفعل^۱ پیدا کرده است و سرعت گردش پول هم انعطاف‌پذیر است، فشار هزینه‌ها به‌عنوان عامل مهم تورم در اقتصاد، ترک‌تازی می‌کند و باید دقت

داشت که در تعلیل و ریشه‌یابی تورم، سهم بالای فشار هزینه‌ها را نباید کتمان کرد و نمی‌بایستی همه را به رشد نقدینگی منتسب کرد. ثمره این کار، این است که اگر همه علت‌های تورم را به نقدینگی و متغیرهای مرتبط با آن منحصر کردیم سیاستگذاران را از اقدامات نسنجیده و شوک‌آفرین برای ایجاد تورم تبرئه کرده‌ایم. لذا سهم فشار هزینه‌ها در تورم و استمرار آن باید به‌طور خاص و برجسته انعکاس داده شود.

علل ساختاری تورم مثل وجود قدرت قیمتگذاری دلخواه، وجود انحصارات و ضعف فناوری تولید هم در اقتصاد ایران کاملاً فعال است. وقتی بدون اصلاح ساختار، قیمت‌های مرتبط و نامرتب را دستخوش بی‌ثباتی می‌کنند، لذا اصلاحات قیمتی ما بجای اینکه اختلال‌ها را تصحیح کند و بودجه دولت و وضعیت تولیدات مبنایی ما را بهبود بخشند نوعاً بخش نامولد و سوداگران فعال در اقتصاد را بهره‌مند می‌کند. ما قبل از شوک‌درمانی‌ها نه اصلاح ساختار انجام می‌دهیم نه مدیریت قیمت برای دوره گذار اعمال می‌کنیم.

بنابراین، تورم در چنین شرایطی یک پدیده چندوجهی و پیچیده و بسیار تأثیرگذار است و بروز آن، نه‌تنها همه رشته‌های سیاست‌های اصلاحی را پنبه می‌کند، بلکه وضعیت متغیرهای کلیدی ساختارها، رفاه و تخصیص منابع را بدتر از قبل می‌سازد و برای خلاصی از آن، نمی‌توان صرفاً به شعار ضرورت انضباط نقدینگی بسنده کرد.

۴. وضعیت ارز در اقتصاد کشور

ارز از کلیدی‌ترین متغیرهای اقتصاد کلان ایران است و وضعیت خاص و حساسی دارد که بسیاری از تحلیلگران و سیاستگذاران به‌سادگی از این وضعیت خاص می‌گذرند. معمولاً در غالب کشور، درآمدهای ارزی و ارزهای موجود در اقتصاد از مجرای صادرات متنوع کالاها و خالص ورودی جریان سرمایه به‌دست می‌آید و عرضه و تقاضای آن، طوری است که به قیمت ارز می‌انجامد که به‌خوبی به متغیرهای کلان اقتصادی علامت می‌دهد و گاهی اوقات می‌تواند به‌عنوان ابزار سیاستگذاری برای تنظیم تراز پرداخت‌ها و اقتصاد صادرات مورد استفاده قرار گیرد، اما در اقتصاد ما وضعیت اینگونه نیست. ارز از مجرای عضو پیوندی نفت وارد اقتصاد می‌شود نه از مجرای صادرات متنوع و با فناوری بالا. لذا اگر درآمد نفت بالا باشد ارز در اقتصاد فراوان می‌شود و این فراوانی به‌خاطر وابستگی بودجه به نفت و بلندپروازی‌های دولت در شرایط وفور، به افزایش نقدینگی، افزایش نسبت کالاهای غیرقابل مبادله به کالاهای قابل مبادله، گسترش واردات و قاچاق و وابستگی بیشتر اقتصاد چه در قلمرو تولید و چه در قلمرو مصرف به ارز و واردات می‌شود.



هنگامی که درآمدهای نفتی به خاطر کاهش قیمت نفت یا معضل تحریم‌ها کاهش می‌یابد به محض بروز کمبود ارز، هجوم سوداگرانه مردم، بانک‌های خصوصی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و هلدینگ‌های مؤسسات شبه‌دولتی به بازار آغاز می‌شود، نیازهای ارزی واقعی هم که در دوره وفور به شدت افزایش یافته است. در اینجا نرخ ارز شروع به پرش و بی‌ثباتی می‌کند، انتظارات تورمی را شعله‌ور می‌سازد، محیط اقتصاد کلان را ملتهب می‌کند، تولید با مشکل مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای مواجه می‌شود، تأمین کالاهای اساسی با مشکل مواجه می‌شود و از همه مهمتر، از قبل این بی‌ثباتی، تورمی در اقتصاد پدیدار می‌شود که آثار سوء تخصیصی و توزیعی دارد و علاوه بر اینکه تخصیص منابع را به زیان بخش مولد تغییر می‌دهد توزیع درآمد را هم به زیان بخش مولد و هم دولت تحت تأثیر قرار می‌دهد. ارز طی یک سال گذشته در اقتصاد ایران چنین نقشی را بازی کرده است.

نکته جالب این‌که چه در دوره وفور و چه در دوره کمبود، نرخ‌های ارز حاصل تعامل نیروهای بنیانی اقتصاد نیستند و با همه بخش‌های کلان اقتصادی سازگار نیستند. این در حالی است که متصدیان امور اقتصاد و بسیاری از تحلیلگران از وجود بازار ارز و نظام ارزی صحبت می‌کنند و حتی در شرایط بی‌ثباتی اقتصاد و ارز، از وجود بازار ارز و ضرورت احاله تعیین قیمت ارز، به آن بازار دم می‌زنند. در حالی که اعتقاد ما این است که ما بازار ارز نداریم، لذا چه در مواقع وفور و چه در مواقع کمبود باید درآمدهای ارزی را مدیریت کنیم. وقتی می‌توانیم تعیین نرخ ارز را به بازار احاله کنیم که بازار عمیق ارز در اقتصاد ایجاد شود.

در شرایط اخیر، به‌عنوان احاله کردن نرخ ارز به بازار (که وجود نداشت)، نرخ ارز را بی‌ثبات کرده‌ایم. البته منشأ این کمبود، تحریم‌های بین‌المللی بود، اما ما با این کار، تحریم‌ها را مؤثر کردیم. نهادهای تولید به شدت گران شد و قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به شدت افزایش یافت. رکود تورمی تشدید گردید، قدرت خرید مردم حدوداً به نصف تقلیل پیدا کرد. کسری‌های دولت چه در زمینه بودجه عمومی، بودجه شرکت‌های دولتی، بدهکاری به پیمانکاران، مقیاس‌های جدید و بالاتر به خود گرفت و به شدت افزایش یافت. با وجودی که سهم بودجه دولت از درآمدهای نفت بسیار بالاست و قاعدتاً باید با افزایش نرخ ارز، وضعیت بودجه دولت بهتر شود. اما بعد از حذف یارانه‌ها و بی‌ثباتی ارز، کسری بودجه به شدت افزایش یافته است به طوری که در یک مورد، بانک مرکزی در صدد بود با تجدید ارزیابی ذخایر ارزی، (یعنی ارزهایی که قبلاً به بانک مرکزی فروخته است)، ۷۴۰ هزار میلیارد ریال بدهی دولت در زمینه بودجه جاری، سازمان هدفمندی، مسکن مهر، شرکت بازرگانی و... را پایاپای سازد، که با مخالفت مجلس روبه‌رو شد. حتی گفته شده است که بدهی دولت بیش از این مقادیر است. بدهی دولت به پیمانکاران و دارندگان اوراق مشارکت و نظام بانکی ممکن است به چند صد هزار میلیارد تومان بالغ شود.

(هزار میلیارد ریال)

جدول ۱۰. بدهی دولت به سیستم بانکی

| ۱۳۹۱ | ۱۳۹۰ | ۱۳۸۹ | ۱۳۸۸ | ۱۳۸۷ | ۱۳۸۶ | ۱۳۸۵ | ۱۳۸۴ | ۱۳۸۳ | ۱۳۸۲ | | |
|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|------------------------|---------------------------------------------------------------|
| ۶۱۹/۴ | ۵۲۸ | ۴۶۹ | ۲۸۵ | ۲۰۷ | ۱۸۹ | ۱۶۰ | ۱۳۶ | ۱۴۹ | ۱۴۲ | دولت | بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی |
| ۶۵۹/۶ | ۱۵۰ | ۸۴ | ۸۰ | ۸۵ | ۹۲ | ۹۶ | ۱۰۰ | ۸۷ | ۷۹ | شرکت‌ها و مؤسسات دولتی | |
| ۱۲۷۹ | ۶۷۸ | ۵۵۳ | ۳۶۵ | ۲۹۲ | ۲۸۱ | ۲۵۶ | ۲۳۶ | ۲۳۶ | ۲۲۲ | مجموع | |
| ۱۱۰ | ۹۳/۹ | ۱۷۳ | ۹۲/۲ | ۹۱/۴ | ۹۷/۹ | ۱۰۴/۱ | ۱۰۱/۳ | ۱۱۱/۹ | ۱۱۷/۱ | دولت | بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی |
| ۶۳۷ | ۱۲۵ | ۴۹/۶ | ۴۲/۷ | ۳۸/۸ | ۳۳/۹ | ۲۷/۳ | ۲۲ | ۲۰/۴ | ۱۸/۹ | شرکت‌ها و مؤسسات دولتی | |
| ۷۴۷ | ۲۱۸/۹ | ۲۲۲/۶ | ۱۳۵ | ۱۳۰/۳ | ۱۳۱/۸ | ۱۳۱/۴ | ۱۲۳/۲ | ۱۳۲/۴ | ۱۳۶ | مجموع | |
| ۵۰۹/۴ | ۴۲۳/۷ | ۲۹۵/۹ | ۱۹۲/۷ | ۱۱۵/۵ | ۹۰/۸ | ۵۶/۲ | ۳۴/۵ | ۳۸/۶ | ۲۵/۹ | دولت | بدهی بخش دولتی به بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری غیربانکی |
| ۲۲/۶ | ۲۵ | ۳۴/۹ | ۳۷ | ۴۵/۸ | ۵۸ | ۶۸/۶ | ۷۷/۹ | ۶۶/۸ | ۶۰ | شرکت‌ها و مؤسسات دولتی | |
| ۵۳۲ | ۴۵۸/۷ | ۳۳۰/۸ | ۲۲۹/۷ | ۱۶۱/۳ | ۱۴۸/۸ | ۱۲۴/۸ | ۱۱۲/۴ | ۱۰۳/۶ | ۸۵/۹ | مجموع | |

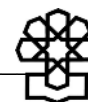
مأخذ: گروه کارشناسان، «بررسی وضعیت برخی متغیرهای اقتصاد کلان ایران (حوزه‌های فرابخشی)»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، ۱۳۹۲، شماره ۱۳۱۲۵.

جدول ۱۱. حجم مطالبات از دولت

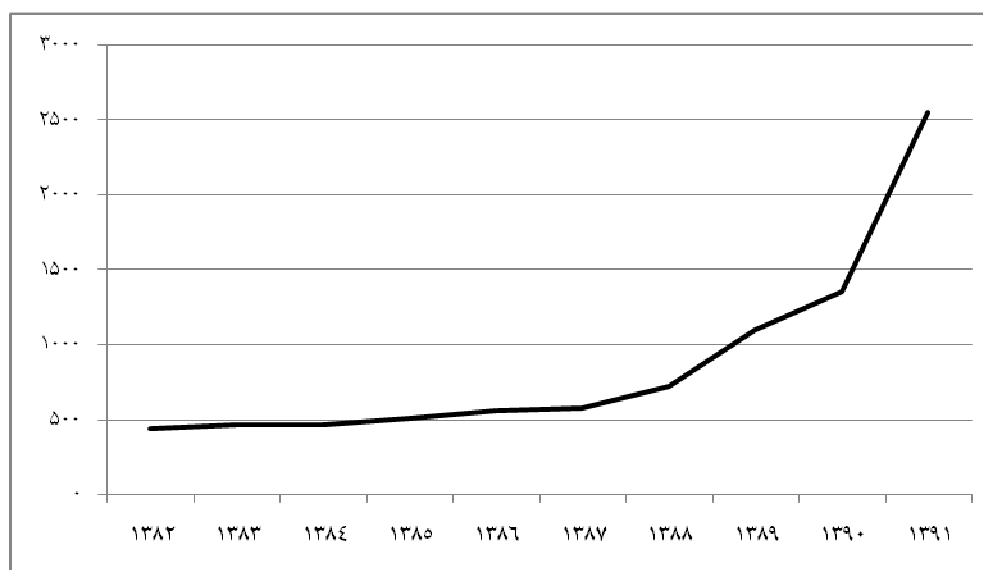
| محل تسویه | میزان بدهی (هزار میلیارد ریال) | تاریخ | منبع خبر | بدهی دولت به |
|----------------------------------|--------------------------------|------------|---------------------------------------------------------------------------|------------------------------------|
| واگذاری دو معدن | ۳۵۰ | پایان ۱۳۹۰ | رئیس سازمان تأمین اجتماعی (دولت تصمیم واگذاری معادل برای تسویه گرفته است) | سازمان تأمین اجتماعی |
| تهاتر با سهام و نفت (بودجه ۱۳۹۲) | ۷۰ | خرداد ۱۳۹۱ | رئیس سندیکای صنعت برق | پیمانکاران برقی و آبی |
| | ۵۰ | خرداد ۱۳۹۱ | رئیس هیئت مدیره کانون کارفرمایان خدماتی کشور | شرکت‌های خدماتی |
| | ۵۰ | خرداد ۱۳۹۱ | رئیس جامعه مهندسان مشاور ایران | مشاوران و پیمانکاران در صنعت احداث |
| | ۳۰-۲۰ | خرداد ۱۳۹۱ | وزیر راه و شهرسازی | پیمانکاران حوزه راهسازی |

مأخذ: گروه کارشناسان، «بررسی وضعیت برخی متغیرهای اقتصاد کلان ایران (حوزه‌های فرابخشی)»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، ۱۳۹۲، شماره ۱۳۱۲۵.

این در حالی است که مقیاس‌های کسر بودجه قبلاً بسیار کوچکتر از این مقادیر بوده است.



نمودار ۹. روند بدهی دولت به سیستم بانکی طی دهه اخیر (هزار میلیارد ریال)



این کسری‌های آشکار و پنهان، مسلماً بی‌انضباطی پولی و تورم‌های مستمر و بالا را تداوم خواهد داد و چه‌بسا آنها را تشدید کند. هزینه‌های تولید بعد از بی‌ثباتی‌های ارزی به شدت بالا رفته است به طوری که مثلاً شرکت خودروسازی سایپا مدعی است که هزینه تمام شده پراید به ۲۰ میلیون تومان افزایش یافته است. البته ناکارایی مدیریت و سازمان کار و تولید بنگاه‌های خودروسازی مسئله دیگری است که باید در جای خود به آن پرداخته شود. اما تأثیر این‌گونه نرخ ارز بر هزینه‌های تولید، مسلماً آینده فعالیت خودروسازی‌ها را تهدید می‌کند.

اساساً وقتی متغیر کلیدی نرخ ارز دستخوش چنین پرش و بی‌ثباتی می‌شود هم اقتصاد دستخوش تغییر و بی‌ثباتی می‌شود و هم بخش و فعالیت، مشغول تعدیل‌های مکرر می‌گردد و آنچه در این تغییر و تعدیل‌ها حاصل می‌شود رفع اختلال‌ها، اصلاح قیمت‌ها و آثار مثبت حقیقی نیست، بلکه جابجایی درآمد و منابع از بخش‌های مولد و دولت به سمت بخش‌های نامولد و سوداگران است و این واقعیتی است که در جامعه امروز ما حتی مردم عادی هم متوجه آن شده‌اند.

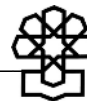
در حالی که انتظارات بعضی از تحلیلگران این بوده است که با افزایش این‌گونه نرخ ارز، هم کسر بودجه دولت بهبود می‌یابد، هم صادرات غیرنفتی شتاب می‌گیرد، هم مشکل تولید و اشتغال حل می‌شود. اما ملاحظه می‌کنیم که مشکل کسر بودجه دولت بدتر می‌شود، صادرات غیرنفتی تنها در زمینه کالاهای سنتی، خام‌فروشی پتروشیمی و کلوخه‌های فلزی و معادن و سیمان رشد محدود پیدا می‌کند، اما تولید کل اقتصاد، دستخوش رکود و محدودیت می‌شود. اساساً وقتی در اقتصاد، تولید، محور فعالیت‌ها نباشد، تحقیق و توسعه ضعیف باشد، ابداع و نوآوری و تجاری شدن آن

محدود باشد، محصولات با فناوری بالا، دست پایین داشته یا ناچیز باشد، استراتژی صنعتی وجود نداشته باشد، بودجه دولت وابسته و غیرشفاف باشد، جریان نقدینگی در اختیار بخش نامولد باشد، انتظار افزایش و شتاب صادرات غیرنفتی به دنبال افزایش نرخ ارز قدری غیرواقعی است.

لذا همان‌طور که قبلاً هم متذکر شدیم در مورد متغیر کلیدی ارز باید چند نکته را مورد توجه قرار داد. اولاً احاله نرخ ارز به بازار در هر شرایطی (خصوصاً در شرایط بی‌ثباتی)، اقدام صحیحی نیست، به‌خاطر اینکه بازار واقعی برای این کالا در اقتصاد ما وجود ندارد. لذا بدون شک در دوران کمبود و بی‌ثباتی، باید آن را به‌شدت مدیریت کرد و در مدیریت این متغیر کلیدی باید به آثار بودجه‌ای، تولیدی، رفاهی، اجتماعی و بی‌ثباتی آن واقف بود. ساده‌انگاری در سیاستگذاری‌ها، تنها بخش نامولد را بر اقتصاد مسلط می‌کند و عملکرد سیاستی اخیر هم دقیقاً به چنین امری منتج شده است. لذا مدیریت نرخ ارز و درآمدهای ارزی در شرایط محدودیت و بی‌ثباتی آن، یک ضرورت مسلم است. مبارزه با فساد، نظارت بر جریان نقدینگی، شفاف کردن عملیات بانکی و اعطای تسهیلات، سیاست‌های تجاری مناسب، سیاست‌های صنعتی و تولیدی کارآمد از اجزای ضروری این مدیریت هستند.

۵. تأثیر کلی تحریم‌ها بر متغیرهای کلان

وقتی تحریم‌ها تشدید می‌شود (یا اساساً وضع می‌شود) به‌طور مسلم ابتدا تراز حساب جاری را منفی می‌کند و در صورت نبود ذخایر کافی ارزی، موجب بروز کمبود ارز در اقتصاد می‌شود. این کمبود، یا به‌خاطر کاهش درآمدهای حاصل از صدور نفت (در صورت تحریم خرید نفت)، یا به‌خاطر عدم دستیابی به ارزهای مربوط به آن (تحریم‌های بانکی) و یا به‌دلیل محدودیت در صادرات غیرنفتی و محدودیت بانکی و بازاری و حمل‌ونقل‌های بین‌المللی است. اولین اثر کمبود ارز در بودجه دولت خود را نشان می‌دهد و چون بودجه به‌طور قابل ملاحظه وابسته به درآمد نفت است، به‌شدت دچار کسری و عدم تعادل می‌شود. به محض مشاهده کمبود، معاملات سوداگرانه روی ارز آغاز می‌شود و تقاضای ارز را که در شرایط عادی به تقاضای معاملاتی محدود می‌شود به‌شدت افزایش می‌دهد و اگر بر آن، نظارت نشود تقاضای سوداگری وجه غالب پیدا می‌کند و این موجب افزایش شدید و پرش نرخ ارز می‌شود. در اینجا اگر دولت تصور کند که این فضای ملتهب و افزایش نرخ ارز حاصل از آن، مشکل بودجه‌اش را حل می‌کند چه‌بسا مجال می‌دهد که نرخ ارز بی‌ثبات شود. اما چون بی‌ثباتی ارز موجب افزایش تورم و شعله‌ور شدن انتظارات تورمی می‌شود و معمولاً



با بروز تورم، اثر «الیورا-تانزی»^۱ وارد عمل می‌شود. اگر عدم شفافیت و فساد هم رایج باشد نه تنها بی‌ثباتی ارزی کسر بودجه دولت را کاهش نمی‌دهد، بلکه مقیاس کسر بودجه را همانطور که قبلاً گفتیم شدیداً افزایش می‌دهد و موجب واگرایی کسر بودجه می‌شود.

از طرف دیگر تولیدکنندگان که برای تداوم کار خود به واردات مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای نیاز دارند دچار مشکل می‌شوند و با افزایش شدید هزینه‌های تولید مواجه می‌شوند که این خود موجب تورم بیشتر و بیکاری بالاتر می‌شود و معمای ماندگار رکود تورمی در اقتصاد را استمرار می‌دهد. تأمین کالاهای اساسی مردم با مشکل مواجه می‌شود زیرا صنعت دام و طیور به نهاده‌های وارداتی وابسته است و بعضی کالاهای اساسی و دارو باید از خارج وارد شود و قیمت خدمات درمانی و بهداشتی به شدت افزایش می‌یابد.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که وقتی نرخ ارز به شدت افزایش می‌یابد و بی‌ثبات می‌شود، اگر دولت متضرر شود و کسر بودجه‌اش افزایش یابد وضعیت تولیدکنندگان هم به خاطر افزایش هزینه‌ها محدودتر شود، رفاه مصرف‌کننده و حقوق‌بگیران ثابت هم کاهش یابد، پس این کاستی کجا می‌رود و چه گروهی بهره‌مند می‌شود؟ در پاسخ گفته می‌شود بخش نامولد و سوداگران و همان مؤسساتی که در رشد منفی اقتصاد، سودهای بسیار بالا کسب می‌کنند.

لذا در چنین شرایطی، دولت نباید نرخ ارز را ابزار ترانزکننده بودجه خود قرار دهد و نرخ را طوری تنظیم کند که با ارزهای کمتر، همان درآمد قبلی را برای خود ایجاد کند. متعاقب آن، باید بر مؤسسات مالی و بانک‌های خصوصی به شدت نظارت کند، ترکیب پرتفوی آن در سال‌های اخیر گویای مشارکت آنها در فعالیت‌های سوداگرانه ارز است. اساساً در چنین شرایطی باید تمهیدی اندیشیده شود که ارز تنها برای اهداف معاملات حقیقی نگهداری شود. در صورت فشار بیشتر تحریم‌ها، درآمدهای ارزی برای نیازهای تولید، کالاهای اساسی، دارو و خدمات ضروری اولویت‌بندی شود و به‌طور مدیریت شده در اختیار آنان قرار گیرد. در چنین تنگنایی، بحث بازار و احاله تعیین قیمت به بازار ارز اساس موضوعیت ندارد و با مبانی نظری ساده اقتصادی هم سازگار نیست. ارز تولیدکنندگان را باید با قیمت‌های منطقی در اختیار آنها قرار داد.

کسر بودجه دولت را می‌بایستی از طریق انضباط بودجه و شفاف کردن آن و اصلاح ساختار هزینه‌ها و مالیات‌ستانی از مؤسساتی که تا به حال مالیات نداده‌اند و اصلاح نظام مالیاتی و استفاده از منابع بانکی در مواقع ضروری از ناحیه استرداد وام‌های معوق و اعتباراتی که در بخش‌های نامولد صرف می‌شود، چاره‌جویی کنیم.

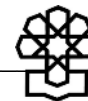
۱. با بروز تورم، هزینه‌های دولت بدون وقفه زمانی افزایش می‌یابد، اما درآمدهای نسبت به تورم تعدیل شده دولت با وقفه‌های زیاد حاصل می‌شود.

برخلاف تحلیل‌های مکانیکی محاسباتی ساده که برای تأمین کسر بودجه دولت، شوک‌درمانی را توصیه می‌کنند شوک‌درمانی‌ها در این خصوص، نتیجه عکس می‌دهند و همانطور که کراراً تأکید کرده‌ایم وضعیت بودجه دولت را بدتر می‌کنند. یکی از روش‌های تصحیح امور در چنین وضعیتی این است که مقام پولی باید جریان پول و نقدینگی را از امور نامولد و فعالیت‌های سوداگرانه با جسارت و شجاعت دریغ داشته و به‌سوی تولید و امور مولد جهت‌دهی کند. در شرایط کنونی این بخش تولید کالایی است که بیشترین سهم را در تأمین درآمد مالیاتی دولت دارد. این در حالی است که بخش خدمات ۵۰ درصدی، تنها ۱۹ درصد مالیات تولید کل را تأمین می‌کند. لذا جهت‌دهی و معطوف کردن منابع ارز و پول به سمت تولید در شرایط فعلی، عامل تضعیف‌کننده رکود تورمی است.

آنچه ما سال‌هاست تجربه می‌کنیم این است که رشد نقدینگی را برای تولید واقعی (عملاً نه در اعتقاد) مذموم می‌دانیم و استفاده دولت به‌طور محدود از منابع بانکی در شرایط اضطراری را مذموم‌تر. اما استفاده بخش نامولد از انبوه منابع پولی و بانکی را عملاً تجویز و تشویق کرده‌ایم و حتی نقدینگی را به‌طور متوسط برای تأمین اغراض این قشر سیلان داده‌ایم و در چنین فضایی برای بهبود وضعیت تولید، بهبود بودجه دولت بر طبل اجرای شوک‌درمانی می‌کوبیم. این سازوکاری است که هر روز اقتصاد را بی‌ثبات کرده و تحریم‌های بین‌المللی تحمیل شده به کشور را مؤثرتر و پرخطرتر می‌سازد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. در حال حاضر این تلقی در میان افکار عمومی و بعضاً سیاستگذاران به‌وجود آمده است که ریشه عمده مشکلات فعلی اقتصاد ایران تحریم‌های اقتصادی بوده و با رفع این تحریم‌ها، بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور رفع خواهد شد. اگرچه قابل انکار نیست که وضع تحریم‌های اقتصادی مشکلات حاد خاص خود را ایجاد کرده است، واقعیت آن است که ریشه مشکلات موجود بسیار عمیق‌تر از موضوع تحریم و تبعات آن می‌باشد. این گزارش سعی کرده است تا حدی این مسئله را نشان دهد. متغیرهایی که در این گزارش به آن پرداخته شده است عبارتند از: نقدینگی، تورم، تولید، کسری بودجه و نرخ ارز که در ادامه برخی از نتایج آن ارائه می‌شود.
۲. در بررسی مقوله نقدینگی، توجه توأمأً به کمیت و کیفیت آن ضروری است. درخصوص جنبه نخست مشاهده می‌شود که طی ۲۴ سال گذشته، رشد متوسط نقدینگی حدود ۳۰ درصد بوده و از حدود ۱۶۵۰ میلیارد تومان در ابتدای برنامه اول به ۴۷۰ هزار میلیارد تومان در میانه برنامه پنجم بالغ شده است و این روند افزایش نقدینگی، منعکس‌کننده جنبه‌ای از بی‌ثباتی در اقتصاد کشور است.



ذکر این نکته ضروری است که با احتساب چک‌های تاریخ‌دار مبادله شده که تا حد زیادی کارکرد پول را دارد، افزایش نقدینگی بالغ بر ارقام مذکور خواهد بود. لذا مشخص است که اقتصاد در نقدینگی بالایی غوطه‌ور است. کیفیت نقدینگی نیز به دلایل متعدد تنزل یافته است و در واقع، درآمدهای نفتی افزایش یافته موجب ورود ارزهای قابل‌توجهی در بودجه شده است و از طریق افزایش ذخایر ارزی بانک مرکزی یا مانده بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، نقدینگی به اندازه‌ای رشد نموده است که بیش از جمع رشد تولید و تورم بوده است. بدیهی است انتشار بیش از حد نقدینگی، صرف معاملات نامرتب با GDP خواهد شد و بالا بودن سودآوری‌های بخش غیرمولد، نقدینگی را به سمت آنها هدایت خواهد نمود.

۳. تولید نیز از دو جنبه قابل بررسی است که عبارتند از: کمیت و کیفیت آن. رشد نوسانی و بعضاً منفی تولید حقیقی گویای آن است که کمیت تولید، وضعیت مناسبی نداشته و در دام با رشد پایین و محدود گرفتار شده است. در مقوله کیفیت نیز، روش تولید انبوه و انقلاب بهره‌وری نیز در ایران رخ نداده است و بخش سنتی تولید ایران، مبتنی بر دانش نیست و بخش مدرن تولید نیز به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وابسته است و از کارآیی و بهره‌وری لازم برخوردار نیست، بدین معنا که استفاده از صرفه‌های مقیاس در بنگاه‌ها صورت نگرفته است. گسترش بخش خدمات نیز متناسب با درجه توسعه‌یافتگی اقتصادی نبوده و بسیار شدیدتر رشد نموده است. لذا به‌طور کلی قسمتی از خدمات و بخش نامولد، نه‌تنها مشوق و مکمل تولید نیستند، بلکه با ترویج بازدهی‌های بالا در اقتصاد، هزینه فرصت سرمایه‌گذاری در بخش تولید را بالا برده‌اند. تجربه کشورهای که در بحران اقتصادی اخیر گرفتار شده‌اند نیز حاکی از آن است که سهم نسبی خدمات در آنها، روندی رو به افزایش داشته است.

۴. تورم نیز از مهمترین متغیرهای کلان اقتصادی است که کمیت آن طی ۴ دهه اخیر همواره بالا بوده و تداوم آن، به انضمام رشد محدود تولید ناخالص داخلی، بیانگر حاکمیت پدیده شوم رکود تورمی در اقتصاد کشور است. تورم بالای اقتصاد ایران هم از ناحیه جاذبه تقاضا (رشد نقدینگی فعال و انبوه طرح‌های نیمه‌تمام سرمایه‌گذاری)، هم از ناحیه فشار هزینه (سیاست‌های شوک‌درمانی اخیر، بالا بردن قیمت حامل‌های انرژی و پرش نرخ ارز) و هم به علل متعدد ساختاری (وجود قدرت قیمتگذاری دلخواه، وجود انحصارات و ضعف فناوری تولید) ایجاد و تقویت شده است. ماهیت تورم نیز نامناسب بوده و تأثیر سوء توزیعی و تخصیصی قابل‌ملاحظه‌ای دارد، بدین معنا که هم توزیع درآمد و هم تخصیص منابع را به نفع عوامل غیرمولد و به زیان عوامل مولد تغییر می‌دهد.

۵. نرخ ارز نیز از دیگر متغیرهای کلیدی کلان اقتصادی کشور است که در هیچ دوره‌ای (وفور یا کمبود)، حاصل تعامل نیروهای بنیانی اقتصاد نیست و با همه بخش‌های کلان اقتصادی سازگاری

ندارد. در شرایط فعلی و با وجود تحریم‌های اقتصادی نیز نباید نرخ ارز را به بازاری (که وجود ندارد) احاله می‌کردیم و با این کار، اثرگذاری تحریم‌ها بر اقتصاد را تشدید نمودیم. زیرا نهاده‌های تولید به شدت گران شد و قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای شدیداً افزایش یافت و رکود تورمی را تشدید کرد. در پی آن، قدرت خرید مردم حدوداً به نصف تقلیل یافت و کسری‌های دولت چه در زمینه بودجه عمومی، بودجه شرکت‌های دولتی و بدهی به پیمانکاران، مقیاس‌های جدید و بالاتر به خود گرفت به طوری که بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی، بانک مرکزی و بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری به ترتیب به ۱۲۷۹، ۷۴۷ و ۵۳۲ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۱ افزایش یافت، در حالی که مجموع کل بدهی دولت به سیستم بانکی در سال ۱۳۹۰ حدوداً ۱۳۵۵ هزار میلیارد ریال بود. بدیهی است که این کسری‌های آشکار و پنهان، بی‌انضباطی‌های پولی و تورم‌های بالا را تداوم خواهد داد. لذا با افزایش نرخ ارز، نه تنها مسئله کسری بودجه دولت مرتفع نشد، بلکه وضعیت آن بدتر شد و کل تولید نیز دستخوش رکود و محدودیت گردید.

۶. وضع یا تشدید تحریم‌ها موجب کاهش و منفی شدن حساب جاری می‌شود و در صورت کافی نبودن ذخایر ارزی، کمبود ارز ایجاد می‌گردد. به دلیل وابستگی بیش از ۵۰ درصدی بودجه دولت به درآمدهای نفتی، نخستین اثر کمبود ارز روی بودجه دولت خواهد بود که آن را شدیداً دچار کسری و عدم تعادل می‌نماید. به محض مشاهده کمبود، تقاضای سوداگران ارز شعله‌ور می‌شود که در صورت عدم نظارت بر آن، به پرش و افزایش شدید نرخ ارز منجر می‌گردد. افزایش نرخ ارز، تورم بالاتر را به دنبال خواهد داشت که مقیاس کسری بودجه را افزایش می‌دهد، هزینه‌های تولیدکنندگان را بالا می‌برد و تأمین کالاهای اساسی مردم را با مشکل مواجه می‌سازد. در این میان، صرفاً بخش نامولد و سوداگران، سودهای بسیار بالا به دست می‌آورند.

۷. در شرایط فعلی و با وجود تحریم‌های اقتصادی و با عنایت به توضیحات مذکور، توصیه می‌شود که اولاً نرخ ارز به هیچ‌وجه به عنوان ابزار ترازکننده بودجه دولت مورد استفاده قرار نگیرد. ثانیاً نظارت بر عملکرد مؤسسات مالی و بانک‌های خصوصی افزایش یابد. ثالثاً تمهیداتی اندیشیده شود که ارز تنها برای معاملات حقیقی نگهداری شود. رابعاً در صورت تشدید فشار تحریم‌ها، منابع ارزی میان نیازهای تولید، کالاهای اساسی و دارو با اولویت‌بندی تخصیص یابد. همچنین کسری بودجه از طریق انضباط بودجه، شفاف‌سازی و اصلاح ساختار هزینه‌ها و استفاده از منابع بانکی (در مواقع اضطراری) چاره‌جویی شود.



منابع و مأخذ

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، «بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی»، گزیده آمارهای اقتصادی - بخش پولی و بانکی، خلاصه تحولات اقتصادی کشور، گزارش اقتصادی و ترانزنامه، در سال‌های مختلف.
۲. دفتر اقتصاد کلان اتاق بازرگانی ایران، گزارش‌های مربوط به مقایسه تعداد شرکت‌های تولیدی فعال در برخی صنایع در داخل و خارج.
۳. گروه کارشناسان، بررسی وضعیت برخی متغیرهای اقتصاد کلان ایران (حوزه‌های فرابخشی)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، شماره ۱۳۱۲۵، ۱۳۹۲.
۴. معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، آمارهای اقتصادی.
۵. وزارت صنعت، معدن و تجارت، پیش‌نویس برنامه راهبردی صنعت، معدن و تجارت (سطح کلان)، ویرایش دوم، دی‌ماه ۱۳۹۱.
6. Haworth, Bill, "Financial Sector Development and Global Economic Crises", International Finance Corporation, World Bank Group, 2009.
7. World Bank, "world development Indicators", 2013.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۴۷۹

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تحلیل وضعیت اقتصادی کشور ۰۷. ارزیابی وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه مدلسازی و مدیریت آمار و اطلاعات)

تهیه و تدوین: عباس شاکری

متقاضی: کاظم جلالی (رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. متغیرهای کلان اقتصادی

۲. نرخ ارز

۳. تورم

۴. تولید

۵. کسری بودجه دولت

۶. نقدینگی

۷. تحریم‌های اقتصادی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۱۱/۲